



Analysis and Examination of Textual Criticism and Qurān Manuscripts from the Perspective of Keith Small *

Abbas Karimi ^۱ and Mohammad Javad Eskandarlou ^۱ and Muhammad Legenhausen ^۲

Abstract



The Enlightenment era and the emergence of the historical-critical approach to the Bible, along with the study of textual variations in the Old and New Testaments, provided a foundation for Orientalists in the ۱۹th and ۲۰th centuries to extend this perspective to the Qurān and introduce their critical approach as a novel process. This process began with source criticism, evolved into textual criticism, progressed to form criticism, and eventually developed into redaction criticism. This study, employing a descriptive-analytical method, examines the textual criticism of Qurānic manuscripts from the perspective of Keith Small in his book *Textual Criticism and Qurān Manuscripts*. The primary objective is to explore Small's viewpoints and identify existing gaps in this field. Small, by analyzing aspects such as orthographic variations in early manuscripts, scribal errors, differences in diacritical markings, verse divisions, and the relationship between manuscripts and the texts recorded in Islamic literature, presents a significant evaluation of the early textual history of the Qurān and its complex challenges. While Small's research benefits from precise methodology, reliance on primary sources, systematic classification of textual variations, and attention to the interaction between oral and written traditions, it faces several issues, including methodological bias, a lack of comprehensive textual and linguistic understanding of the Qurān, neglect of oral tradition, disregard for tawātur (mass transmission), inattention to qirā'āt (recitation variants), and a limited focus on the historical context of Qurānic manuscripts. These shortcomings, despite his extensive efforts, may render his objectives in the textual criticism of Qurānic manuscripts insufficient or incomplete.

Key words: Qurānic Manuscripts, Keith Small, Textual Criticism, Orthographic Variations, Manuscript Analysis, History of the Qurān.

*. **Date of receiving:** ۰۷/۱۲/۲۰۲۳, **Date Revised:** ۱۴/۰۳/۲۰۲۴, **Date of approval:** ۱۳/۰۴/۲۰۲۴.

۱. Member of the Quranic Association and Orientalists at the Seminary, Qom, Iran.

۲. Full Professor and Faculty Member of the Quran and Hadith Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom.

۳. Full Professor, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.



بررسی و تحلیل «نقد متنی و نسخه‌های خطی قرآن» از دیدگاه کیت اسمال*

عباس کریمی^۱ و محمدجواد اسکندرلو^۲ و محمد لگنهاوزن^۳



چکیده

عصر روشنگری و ظهور رویکرد تاریخی - انتقادی نسبت به کتاب مقدس و ابطال فراز و فرود عهدینی، بستری بود برای خاورشناسان تا در قرن نوزدهم و بیستم میلادی این نوع نگاه را به قرآن تسری داده و رویکرد انتقادی خویش را در قالب و فرایندی جدید طرح نمایند این فرایند از نقد متنی به نقد منبع سرازیر و سپس به نقد فرمی و از آنجا به نقد ویرایشی رهنمون گردید، «این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی نقد متنی نسخه‌های خطی قرآن از دیدگاه کیت اسمال در کتاب "نقد متنی و نسخه‌های خطی قرآن" می‌پردازد. هدف اصلی آن، واکاوی دیدگاه‌های اسمال و شناسایی شکاف‌های موجود در این حوزه است، اسمال با بررسی انواع املائی در نسخه‌های خطی اولیه، اشتباهات کاتبان، انواع در علائم دیاکریتیک و تقسیم بندی آیات و همچنین رابطه بین نسخه‌های موجود در نسخه‌های خطی و نسخه‌های ثبت شده در ادبیات اسلامی، ارزیابی با اهمیتی در باره تاریخ اولیه متن قرآن و چالش‌های پرابلماتیک آن پیش روی نهاده است هرچند پژوهش اسمال با بهره‌گیری از روش‌شناسی دقیق، استفاده از منابع دسته اول، طبقه‌بندی سیستماتیک تغییرات و توجه به تعامل سنت شفاهی و نوشتاری، امتیازات قابل توجهی دارد، اما با مشکلاتی همچون سوگیری روش‌شناختی، عدم درک جامع متنی و زبان‌شناختی قرآن، غفلت از سنت شفاهی، نادیده گرفتن تواتر قرآن، بی‌توجهی به دانش قرائات و تمرکز محدود بر زمینه تاریخی نسخه‌های خطی قرآن روبه‌روست که می‌تواند اهداف او را نسبت به نقد متنی نسخه‌های خطی قرآن ناکافی و عقیم نماید.

واژگان کلیدی: نسخ خطی قرآن، کیت اسمال، نقد متنی، انواع املاء، تحلیل نسخ خطی، تاریخ قرآن.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۶، تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۱/۲۴.

۱. دانش پژوه دکتری قرآن و مستشرقان جامعة المصطفی ص العالمیة و عضو انجمن قرآن و مستشرقان حوزه علمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول).

۲. استاد تمام جامعة المصطفی ص العالمیة، قم، ایران.

۳. استاد تمام مؤسسه عالی آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، قم، ایران.

مقدمه

در جهان غرب، سنت و عمل گردآوری، نگهداری و حفظ اسناد برای نخستین بار در دوره هلنیستی بنیان نهاده شد. کتابخانه بزرگ اسکندریه، پیش از آنکه در آتش نابود شود، بزرگترین گنجینه نسخ خطی در دوران باستان کلاسیک بود در آن کتابخانه، مکتبی از دانش نقد متن تأسیس شد که با وفاداری دقیق به متن در ویرایش، شناخته می‌شد، اما اصول نظام‌مند آن در آثار کتابدار، آریستارخوس ساموتراکی، عمدتاً باقی نمانده است (Johnstone, S, ۲۰۱۴).

اعصار مسیحی پس از آن، برای مدتی طولانی از نظم و انضباط متنی دوره هلنیستی غافل بودند. در عوض، نسخه‌برداری‌ها در مراکز رو به افزایش آموزش قرون وسطی تحت تأثیر ملاحظات عملی نسخه‌بردار قرار داشتند. کاتبان متون را هنگام نسخه‌برداری تفسیر می‌کردند و در این فرآیند، اغلب نسخه‌های مختلف را با هم مقایسه می‌کردند و در جریان انتقال، متون را تغییر می‌دادند. چنین نقد تفسیری قرائت‌های گوناگون، شیوه‌ای رایج برای زبان‌شناسان اومانیست باقی ماند تا به بنیادهای اولیه نقد کتب مقدس منتهی شود.

میراث چندوجهی عصر روشنگری و اعمال عقل و تفکر انتقادی نسبت به کتاب مقدس، منجر به ظهور رویکردهای تاریخی-انتقادی نسبت به عهد عتیق شد. این رویکردها به دنبال درک متن در بستر تاریخی آن بودند و به جای تکیه صرف بر سنت مذهبی، از عقل و شواهد عینی استفاده می‌کردند. این جریان با اسپینوزا، که به عنوان پدر نقد کتاب مقدس شناخته می‌شود، آغاز گردید و سپس توسط ریچارد سیمون (۱۷۱۲-۱۶۳۸) و بعدها ژان آستروک (۱۷۶۶-۱۶۸۴) پی‌گیری شد. در این فرآیند، روش‌هایی مانند نقد منبع، نقد متنی، نقد ادبی و نقد تاریخی به کار گرفته شد تا ساحت‌های قدسی متن مقدس در سیطره سوژه عصر روشنگری قرار گیرد و تفسیرهای ماوراءالطبیعی در برابر خرد غربی، نقصان معرفت‌شناختی خود را آشکار سازد.

پس از رد و ابطال ساحت‌های آفاقی کتب مقدس و سقوط آن‌ها به سطح تفسیرهای بشری، این جریان توسط خاورشناسان به حوزه مطالعات قرآنی نیز راه یافت. مطالعات انتقادی خاورشناسانی چون اشپرنگر، ویلیام مویر، نولدکه و گلدزیهر، و توسعه آن توسط ریچارد بل و وات، به سطح بالاتری از رویکرد انتقادی در دوران معاصر دست یافت.

در این میان، رویکرد تجدیدنظرطلبانه شکاکیت بیشتری را نسبت به قرآن مطرح کرده است. هرچند این محققان تحت عنوان «تجدیدنظرطلب» گروه‌بندی می‌شوند، نظریه‌ها و نتایج خاص آن‌ها می‌تواند به طور قابل توجهی متفاوت باشد. مکتب تجدیدنظرطلب که عمدتاً یکپارچه نیست، اغلب گزارش‌های متناقضی از ریشه‌های اسلامی و توسعه قرآن ارائه می‌دهد.



رویکرد تاریخی-انتقادی امروزه در دو سطح نقد اعلی و نقد سفلی دنبال می‌شود و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویکردهای قرآن‌پژوهی در میان خاورشناسان قلمداد می‌گردد. در این رویکرد، نقد متنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و حوزه‌ای است که به بررسی تحولات تاریخی و انتقال متن قرآنی از طریق تحلیل نسخه‌های خطی اولیه و قرائت‌های گوناگون می‌پردازد. هرچند این رویکرد به‌طور گسترده در سایر متون دینی مانند کتاب مقدس اعمال شده است، کاربرد آن در قرآن نسبتاً محدود و بحث‌برانگیز باقی مانده است.

مطالعه حاضر در اثر ارزشمند «نقد متنی و نسخه‌های خطی قرآن» با به‌کارگیری روش‌های انتقادی متنی در نسخه‌های خطی اولیه قرآن، کمک قابل توجهی به این حوزه نوظهور ارائه نموده است. از دیدگاه او، مطالعات پیشین در مورد تاریخ متنی قرآن عمدتاً بر روایات سنتی اسلامی و منابع ادبی متأخر استوار بوده است. با این حال، نیاز به تکمیل این گزارش‌ها با بررسی مستقیم شواهد دست‌نویس اولیه، در میان محققان به رسمیت شناخته می‌شود. پژوهش اسمال با ارائه تحلیلی دقیق و البته محدود از انواع متنی موجود در نسخه‌های خطی اولیه قرآن، به این شکاف می‌پردازد و مبنای تجربی ارزشمندی برای درک انتقال اولیه و استانداردسازی متن ارائه می‌دهد.

از دیدگاه این مستشرق، این موضوع از جنبه‌های نظری و عملی اهمیت دارد: از لحاظ نظری، به درک جامع‌تری از تاریخ متنی قرآن کمک می‌کند و روایات سنتی را به چالش می‌کشد یا اصلاح می‌کند. از لحاظ عملی، ابزارهای روش‌شناختی را برای تحلیل نسخه‌های خطی قرآن و ارزیابی انواع متن در اختیار محققان قرار می‌دهد. می‌توان گفت به‌کارگیری روش‌های انتقادی مشابهی که در مطالعات کتاب مقدس به‌کار می‌رود، در متون اسلامی گفت‌وگوی بین ادیان را تسهیل می‌کند و حتی می‌تواند به توسعه نسخه‌های انتقادی قرآن بر اساس شواهد دست‌نویس کمک کند.

در این پژوهش به سؤالاتی از قبیل: چه انواع متنی در نسخه‌های خطی اولیه قرآن وجود دارد؟ این گونه‌های نسخ خطی در مقایسه با آنچه در ادبیات اسلامی ثبت شده است چگونه هستند؟ این گونه‌ها یا انواع نسخ خطی چه چیزی را در مورد روند انتقال متنی و استانداردسازی قرآن آشکار می‌کنند؟ و نقد متنی چگونه می‌تواند به درک دقیق‌تری از تاریخ اولیه قرآن کمک کند؟ پرداخته می‌شود.

هدف این پژوهش، ضمن نشان دادن ارزش نقد متنی در مطالعات قرآنی و نسخه‌های خطی قرآن، ارائه چارچوبی روش‌شناختی برای تحقیقات آتی در این زمینه است. همچنین، شکاف‌ها و خلأهای مطالعات خاورشناسانی که با دیدگاه نقد عهدینی و رویکرد تاریخی-انتقادی به دنبال نقد قرآن هستند را نشان می‌دهد. این در حالی است که نه تنها تفاوت‌های مبناشناسانه در اینجا وجود دارد، بلکه خطاهای روش‌شناسانه، چالش‌های تحلیل متن، منابع تاریخی محدود و مسائل دیگری نیز در این زمینه مطرح است. در ادامه، ضمن معرفی اسمال، این بحث پی‌گرفته خواهد شد.

الف. کیث اسمال و روش‌شناسی او

در این بخش به شناخت کیث اسمال پرداخته می‌شود و سپس روش پژوهشی او ارائه می‌گردد.

۱. شناخت کیث اسمال

کیث اسمال (KEITH EDWARD SMALL) در ۲۴ ژوئیه ۱۹۵۹ در باتل کریک، میشیگان به دنیا آمد. او مدرک لیسانس خود را از دانشگاه وسترن میشیگان، مدرک کارشناسی ارشد الهیات (ThM) را از سمینار الهیاتی دالاس و دکترای خود را از مرکز گاتری برای مطالعات اسلامی در دانشکده الهیات لندن دریافت کرد. بحث‌های او با دوستان مسلمان و پرسش‌های بی‌پاسخش درباره انتقال قرآن به عنوان یک شیء فیزیکی، انگیزه اصلی‌اش برای پژوهش درباره مصاحف مکتوب و انتقال قرآن شد.

پیش از اخذ دکترا، کیث برای دیدار با محققانی که نسخه‌های خطی اولیه صنعا، توپکاپی و سمرقند قرآن را مطالعه می‌کردند، سفرهای متعددی انجام داد. پس از معرفی مجدد بایگانی‌های برگستراسر، که گفته می‌شد توسط اسپیتالر پس از جنگ جهانی دوم نابود شده بود، مایکل مارکس و آنجلیکا نویورت کیث را به نخستین کنفرانس پروژه عظیم کورپس کورانیوم (Corpus Coranicum) در دانشگاه آزاد برلین در سال ۲۰۰۵ دعوت کردند. مقاله کیث در این کنفرانس، که به مقایسه گونه‌های اولیه در مسائل نقد متنی می‌پرداخت و یادآور پروژه‌های ویرایش انتقادی قرآن آغاز شده توسط جفری و برگستراسر بود، مورد استقبال محققانی چون نویورت، مارکس، گرد-آر پوئین، نویا نوسدا، اندرو ریپین و افیم رضوان قرار گرفت. آنان این مقاله را دریچه‌ای امیدوارکننده برای پروژه‌های نیمه‌تمامی دانستند که پس از مرگ برگستراسر در سال ۱۹۳۸ و آرتور جفری در سال ۱۹۵۹ به منظور ایجاد یک ویرایش انتقادی از قرآن باقی مانده بود.

در میان خاورشناسان معاصر، پژوهش‌های کیث اسمال با توجه به محدودیت دامنه مطالعاتش، شاید اهمیت فراوانی نداشته باشد. اما با توجه به اثر و دیدگاه‌های او، به‌ویژه کتاب نقد متنی و نسخه‌های قرآن، کار او مورد توجه خاورشناسان قرار گرفته است. فرد داور، مورخ برجسته تاریخ اولیه اسلام، این کتاب را اثری «عالی و دارای اهمیت آشکار» توصیف می‌کند. داور استدلال اسمال را مبنی بر اینکه تلاش‌های اولیه برای استانداردسازی متن صامت قرآن منجر به حذف گونه‌های متنی اولیه شده است، تصدیق می‌کند. با این حال، او تأکید می‌کند که نتیجه‌گیری‌های اسمال آزمایشی است، زیرا بررسی جامع‌تر آیات قرآن ممکن است نتایج متفاوتی به همراه داشته باشد (Donner, ۲۰۱۴: p. ۱۶۷).

لری هورتادو، محقق متون اولیه مسیحی، نیز ضمن تأیید نتایج اسمال درباره تاریخ متنی قرآن و ترسیم شباهت‌هایی میان انتقال قرآن و دیگر سنت‌های کتاب مقدس، با این نظر اسمال موافق است که توسعه متنی قرآن شامل انتخاب‌های ویرایشی و سرکوب گونه‌های رقیب بوده است (Hurtado, ۲۰۱۵).



۲. روش‌شناسی

این محقق با توجه به سابقه پژوهشی و مطالعاتی خود در عهد جدید، روش خود را در نقد متنی نسخه‌های کهن قرآن «التقاط‌گرایی منطقی» (Reasoned Eclecticism) معرفی می‌کند و معتقد است این روش حداقل برای یک قرن توسط اکثر محققان عهد جدید مورد استفاده قرار گرفته است. از دیدگاه این خاورشناس، این روش یا رویکرد، مبنای تهیه اکثر متون انتقادی عهد جدید بوده است.

اسمال به تعریف هولمز از «التقاط‌گرایی منطقی» اشاره می‌کند که آن را رویکردی می‌داند که تلاش دارد تمام شواهد موجود، اعم از خارجی (مانند آنچه نسخه‌های خطی ارائه می‌دهند) و داخلی (مانند ملاحظات مربوط به عادات، اشتباهات و تمایلات کاتبان یا سبک و اندیشه نویسنده) را در نظر بگیرد. محور اصلی این رویکرد، یک اصل اساسی است: گونه‌ای که به احتمال زیاد اصیل است، گونه‌ای است که بهترین توضیح را برای منشأ تمام گونه‌های رقیب ارائه می‌دهد، هم از نظر شواهد بیرونی و هم از نظر شواهد درونی.

او در ادامه اهمیت این روش خاص را برمی‌شمارد: نخست، این روش بر پایه یک سنت دانشگاهی است که بیش از دو قرن قدمت دارد. دوم، این روش در بررسی انواع متنی نسخه‌های خطی قدیمی در بسیاری از سنت‌های ادبی به خوبی آزموده شده است. سوم، این روش انعطاف‌پذیری لازم را برای در نظر گرفتن ویژگی‌های مختلف خطوط عربی داراست. چهارم، این روش تحت تأثیر ایدئولوژی مذهبی، سیاسی یا دانشگاهی خاصی قرار ندارد و ابزاری مناسب برای مطالعه نسخه‌های خطی قدیمی و ارزشمند است. در عین حال، نگرشی انتقادی و واقع‌بینانه نسبت به تأثیرات انسانی در تولید کتاب‌های کهن حفظ می‌کند.

وی پس از توضیح اجمالی پیرامون روش‌شناسی، این پرسش را مطرح می‌کند که متن اصلی قرآن چیست؟ او اذعان می‌دارد که با توجه به پیچیدگی‌های تولید کتاب‌های قدیمی و وجود ترکیبی از قراردادهای شفاهی و نوشتاری، تعریف دقیق‌تری از این مفهوم لازم است. در سنت‌های ادبی که از روش‌های شفاهی و نوشتاری برای حفظ متون بهره می‌گیرند، تعیین یک متن «اصلی» واحد دشوار است؛ چراکه اجراهای شفاهی مختلف نیز می‌توانند مدعی این عنوان باشند.

بحث اصلی در مطالعات قرآنی بر یافتن یک متن اولیه (Urtext) از قرآن متمرکز است. سنت اسلامی، قرآن را به شکلی که امروزه می‌شناسیم با این متن اولیه یکسان می‌داند و این باور به یک اصل دینی سنتی تبدیل شده است. در گفتمان عمومی اسلامی معاصر، حفظ کامل متن قرآن از زمان نزول آن بر پیامبر اکرم^{علیه السلام} به عنوان یک واقعیت مسلم تلقی می‌شود. با این حال، وی ادعا می‌کند که برخی محققان اسلامی در قرون اولیه و میانه، وجود تغییرات متنی و بخش‌های مفقود در قرآن را می‌پذیرفتند و مدعی انتقال کامل و بی نقص متن نبودند.

مطالعه نسخه‌های خطی قدیمی قرآن نیز انعطاف‌پذیری‌هایی را نشان می‌دهد که در دوران اولیه اسلام وجود داشته است. اسماال به دیدگاه الدون اپ اشاره می‌کند که فرآیند تبدیل یک متن شفاهی یا نوشتاری به یک کتاب، نه یک مرحله واحد بلکه شامل مراحل مجزایی است. او همچنین دیدگاه ریپین را نقل می‌کند که در تعریف دقیق واژه «قرآن»، سه عنصر باید مد نظر قرار گیرند: یک پیکره متنی ثابت، پیکره‌ای که به شکل نوشتاری در دسترس باشد، و اینکه این شکل نوشتاری، میزانی از اعتبار را در میان گروهی از مردم کسب کند.

هر یک از این سه عنصر مستلزم فرآیندهایی است که از طریق آن‌ها، ثبات، شکل نوشتاری، و توافق بر سر اعتبار به دست آمده‌اند. هر تعریف و توضیحی از متن اصلی قرآن باید به وضوح این فرآیندها را تصدیق و تشریح کند. افزون بر این، دیدگاه‌های متفاوت در مورد تاریخچه متن قرآن، در نظرانشان درباره فرآیندها و مدت زمانی که طول کشید تا متن نوشتاری قرآن تمامی این سه جنبه را کسب کند، تفاوت خواهند داشت.

الدون اپ (Eldon Epp) در بررسی فرآیند تولید متن، چهار مرحله اصلی را برای تاریخ توسعه متن معرفی می‌کند که یکی از پژوهشگران این دسته‌بندی را به پنج مرحله گسترش داده است:

۱. شکل متن پیشین: شامل منابع شفاهی یا نوشتاری است که نویسنده در نگارش متن از آن بهره برده است.

۲. شکل متن خودنگاشت: نسخه‌ای که مستقیماً توسط نویسنده نوشته شده و از روی میز او خارج شده است.

۳. شکل متن معتبر: متنی که در یک منطقه جغرافیایی خاص اعتبار و پذیرش نسبی یافته است.

۴. شکل متن قانونی: نسخه‌ای که در سطح جغرافیایی گسترده‌تر به عنوان نسخه رسمی پذیرفته شده است.

۵. شکل متن تفسیری: شامل بازنویسی‌های عمدی بعدی به دلایل سبکی، عملی یا عقیدتی می‌شود. این پژوهشگر دیدگاه الدون اپ را می‌پذیرد که این اصطلاحات می‌توانند به عنوان اصطلاحات فنی برای توصیف مراحل مختلف توسعه متن مورد استفاده قرار گیرند. او تأکید می‌کند که مستندسازی مراحل اولیه، به ویژه درباره مواد شفاهی و نوشتاری مربوط به قرآن، دشوار است؛ زیرا آنچه امروزه در اختیار ما قرار دارد، نسخه‌های ویرایش شده اولیه از برخی مطالب منتسب به پیامبر اسلام است.

با توجه به این محدودیت، او بررسی خود را بر متون نوشتاری موجود متمرکز می‌کند و این نکته را در نظر دارد که سنت شفاهی در پس زمینه متن نوشتاری حضور داشته است. بنابراین، انتقال نوشتاری قرآن با سنت شفاهی ارتباط تنگاتنگی دارد و نسخه‌های نوشتاری موجود، از نظر زمانی، به نسخه‌های شفاهی اولیه بسیار نزدیک هستند.



در ادامه، این پژوهشگر به مسئله تعیین متن اصلی قرآن و چگونگی جمع‌آوری آن می‌پردازد. براساس دیدگاه سنتی اسلامی، قرآن در زمان حیات پیامبر^ا ثبت و جمع‌آوری شد، اما پس از رحلت ایشان، نسخه‌های مختلفی در مناطق گوناگون رواج یافت. خلیفه سوم، عثمان بن عفان، برای جلوگیری از اختلافات، دستور تهیه یک نسخه واحد را داد که به‌عنوان «متن قانونی» شناخته می‌شود. با وجود این، تلاش برای بازسازی متن اصلی (خودنگاشت) قرآن همچنان ادامه دارد. این بازسازی مستلزم بررسی نسخه‌های خطی، کتیبه‌ها و سایر شواهد موجود است، هرچند این فرآیند با چالش‌هایی از جمله محدودیت منابع و پیچیدگی سنت شفاهی روبه‌رو است.

توصیفات و تصاویر نسخه‌های خطی

هدف اصلی او در واقع معرفی نسخه‌های خطی است که تغییرات آن‌ها می‌تواند شاهی بر مدعی خویش باشد. از این‌رو، ۲۲ نسخه خطی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد که هر نسخه خطی را به‌طور مفصل توصیف کرده و تصاویری از صفحات مورد استفاده در آن ارائه نموده است. متن محوری پژوهش او، کشف اختلافات متنی و نقد متنی سوره ابراهیم آیات ۳۵ الی ۴۱ است.

او انتخاب این بخش و این نسخه‌های خاص را به روش زیر توضیح می‌دهد: کاتالوگ‌های نسخه‌های خطی قرآن موجود در مجموعه‌های اروپای غربی بررسی شدند تا مشخص شود کدام بخش‌های متن در چندین نسخه خطی در دسترس هستند. نسخه‌های خطی قرآن از چهار قرن اول اسلام به منظور دستیابی به قدیمی‌ترین متون ممکن انتخاب شدند. همچنین نسخه‌هایی با ویژگی‌های املائی که توسعه خط عربی را از یک خط صامت با علامت‌های جزئی به خطی کاملاً مصوت‌دار (که قادر به بازتولید دقیق مقادیر آوایی هر حرف عربی در نوشتار است) نشان می‌دهند، برجسته شدند.

هدف اولیه، انتخاب بخش‌هایی بود که در ده نسخه خطی مشترک بودند و این تعداد بعداً به بیست و دو نسخه خطی گسترش یافت؛ نوزده نسخه از چهار قرن اول اسلام و سه نسخه از دو قرن اخیر. جدولی که این نسخه‌های خطی را فهرست می‌کند، پس از توضیحات آن‌ها درج شده است.

در میان بخش‌های موجود که در چندین نسخه خطی ارائه شده بودند، سوره ابراهیم آیات ۳۵ الی ۴۱ انتخاب شد، زیرا این بخش روایتی با طول مناسب برای ارزیابی و تحلیل بود و به سه شخصیت آشنای کتاب مقدس، یعنی ابراهیم و پسرانش اسماعیل و اسحاق اشاره داشت. این داستان درباره استقرار ابراهیم و پسرش اسماعیل در مکه روایت می‌شود. اگرچه این بخش نسبتاً مختصر است، اما حاوی انواع مختلفی از روایات متنی است.

جدول مشخصات این مصاحف به شرح ذیل ارائه شده و در ادامه توضیح هر نسخه به صورت اجمالی بیان گردیده است.

Manuscript ¹	Date ²	Script Style ³	Manuscript Orientation ⁴	Manuscript Material	Orthographic Features ⁵	Verse markers ⁶
Istanbul ⁷ Tiem SE 54	I	H I (H)	Vertical	Parchment	sd, nsv, cd	1,5,10
Topkapi	II	BIU/CI?(K)	Horizontal	Parchment	sd,nsv	1,5,10
01-28.1	I	B Ia (K)	Vertical	Parchment	sd, nsv	1,5,10
01-29.1	I	H I (H)	Vertical	Parchment	sd, nsv	1
01-20.x	I	A/B Ia (K)	Horizontal	Parchment	nd, nsv	10
Or. 2165	I	H II (H)	Vertical	Parchment	sd, nsv	1, 10
SamK	II	BIU/CI? (K)	Horizontal	Parchment	fd, nsv	1,10
BNF 325a	II	B Ib (K)	Horizontal	Parchment	nd, cd	1,5,10
BNF 326a	II	H I (H)	Horizontal	Parchment	sd, nsv	1,10
BNF 328a	I	H I (H)	Vertical	Parchment	sd, nsv	1,5,10
BNF 330a	II	H III (H)	Horizontal	Parchment	sd, nsv	1,10
BNF 331	II	B Ia (K)	Vertical	Parchment	sd, nsv	1,10
BNF 332	II	C I (K)	Vertical	Parchment	fd, nsv	1,10
BNF 333c	III	C III(K)	Horizontal	Parchment	fd, cd	10
BNF 334c	III	H IV (H)	Horizontal	Parchment	sd, cd	1,5,10
BNF 340c	III	B II (K)	Horizontal	Parchment	fd, cd	1,5,10
BNF 343	IV	D c (K)	Horizontal	Parchment	sd, cd	10
BNF370a	IV	C (K)	Horizontal	Parchment	fd, cd	10
Meknes	III	B II (K)	Horizontal	Parchment	sd, cd	1,5,10
Or. 12884	IV	NS P (K)	Vertical	Paper	fv	1,5,10
Sharif	XI	Naskh	Vertical	Paper	fv	1,10
Warsh	XV	Maghribi	Vertical	Paper	fv	1.10

*جدول برگرفته از کتاب نقد متنی و نسخه های خطی قرآن

ویژگی های هر نسخه خطی به تفکیک:

۱. **Istanbul**: نسخه خطی منتشر نشده به خط حجازی اولیه مشابه سبک H I دروش، دارای نشانه های تک آیه (چهار تا شش نقطه عمودی)، پنج آیه (دایره های کوچک) و ده آیه (دایره های کوچک با نقاط اطراف) که احتمالاً بعدها اضافه شده اند.

۲. **Topkapi**: نسخه خطی به خط کوفی عظیم مشابه سبک های B II و C I دروش، دارای نشانه های نقطه گذاری برای برخی حروف و نقاط قرمز برای نشان دادن سیستم مصوت گذاری که احتمالاً در زمان نگارش اولیه اضافه شده اند.



۳. x. ۲۰-۰۱: نسخه خطی به خط کوفی اولیه، سنگین‌تر از ۰۱-۲۸/۱، فاقد نشانه‌های تک یا پنج‌آیه، دارای نشانه‌های ده‌آیه به صورت دایره‌ای با نقطه در وسط که همزمان با متن نوشته شده است.
۴. ۲۸/۱-۰۱: نسخه خطی به خط کوفی بسیار اولیه مشابه دسته B Ib دروش، دارای نشانه‌های تک‌آیه (سه نقطه عمودی) که همزمان با نگارش متن اضافه شده‌اند و نشانه‌های ده‌آیه (دایره‌هایی با دو نوار نقطه دایره‌ای) که احتمالاً بعدها اضافه شده‌اند.
۵. ۲۹/۱-۰۱: نسخه خطی به خط حجازی مشابه دسته H I دروش و ۳۲۸a BNF، دارای نشانه‌های تک‌آیه (الگوهایی از سه تا هشت نقطه عمودی) که احتمالاً بعدها اضافه شده‌اند و فاقد نشانه‌های پنج یا ده‌آیه است.
۶. BI Or. ۲۱۶۵: قدیمی‌ترین قرآن موجود در کتابخانه بریتانیا، به خط حجازی مایل و قلمی سنگین‌تر از سایر نسخه‌های حجازی، دارای نشانه‌های تک‌آیه و ده‌آیه که احتمالاً بعدها اضافه شده‌اند.
۷. Samarkand Kufic Codex: نسخه خطی بزرگ و باشکوه به خطی مشابه دسته‌بندی‌های B II و C I دروش، دارای نشانه‌های تک‌آیه و ده‌آیه که به گفته جفری، نشانه‌های ده‌آیه بعدها اضافه شده‌اند.
۸. BNF Arabe ۳۲۵a: نسخه خطی به خط B I b دروش، دارای نشانه‌های تک، پنج و ده‌آیه که همگی همزمان با متن نوشته شده‌اند، به جز نشانه‌های پنج‌آیه که احتمالاً بعدها اضافه شده‌اند.
۹. BNF Arabe ۳۲۶a: نسخه خطی به خط H I دروش، دارای نشانه‌های تک و ده‌آیه که نشانه‌های ده‌آیه احتمالاً بعدها اضافه شده‌اند. مربوط به قرن دوم هجری.
۱۰. BNF Arabe ۳۲۸a: نسخه خطی به خط حجازی، دارای نشانه‌های تک‌آیه، پنج‌آیه و ده‌آیه که نشانه‌های پنج و ده‌آیه بعدها اضافه شده‌اند. از بهترین نمونه‌های خط حجازی، مربوط به اوایل تا اواسط قرن اول هجری.
۱۱. BNF Arabe ۳۳۰a: نسخه خطی به خط H III دروش، دارای نشانه‌های تک‌آیه و دو سیستم نشانه‌های ده‌آیه، مربوط به حدود سال ۸۰۰ میلادی (اواخر قرن دوم هجری).
۱۲. BNF Arabe ۳۳۱: نسخه خطی به خط B I a دروش، دارای نشانه‌های تک و ده‌آیه که نشانه‌های ده‌آیه بعدها اضافه شده‌اند، مربوط به اوایل قرن دوم هجری.
۱۳. BNF Arabe ۳۳۱۲: نسخه خطی به خط C I a دروش، دارای نشانه‌های تک و ده‌آیه که همزمان با متن نوشته شده‌اند، مربوط به اواخر قرن هشتم/اوایل قرن دوم هجری.
۱۴. BNF Arabe ۳۳۳c: نسخه خطی به خط C III دروش، فقط دارای جداکننده‌های ده‌آیه که همزمان با متن نوشته شده‌اند، مربوط به قرن دهم/سوم هجری.

۱۵. c. ۳۳۴ BNF Arabe: نسخه خطی به خط HIV دروش، دارای نشانه‌های تک، پنج و ده‌آیه که همگی در زمان نگارش متن گنجانده شده‌اند. نسخه‌ای انتقالی مربوط به اوایل قرن نهم/اواخر قرن دوم هجری.
۱۶. c. ۳۴۰ BNF Arabe: نسخه خطی به خط B II دروش، دارای نشانه‌های تک، پنج و ده‌آیه که نشانه‌های پنج‌آیه احتمالاً بعدها اضافه شده‌اند، مربوط به اوایل تا اواسط قرن نهم/اواخر قرن دوم تا اوایل قرن سوم هجری.
۱۷. Meknes: نسخه خطی به خط B II دروش، دارای نشانه‌های تک، پنج و ده‌آیه که نشانه‌های پنج و ده‌آیه احتمالاً بعدها اضافه شده‌اند، مربوط به اوایل تا اواسط قرن نهم/اواخر قرن دوم تا اوایل قرن سوم هجری.
۱۸. ۳۴۳ BNF Arabe: نسخه خطی به خط D commune دروش، فقط دارای نشانه‌های ده‌آیه که بعدها اضافه شده‌اند، مربوط به قرن دهم/سوم و یازدهم/چهارم هجری.
۱۹. a. ۳۷۰ BNF Arabe: نسخه خطی به خط C عمومی عباسی دروش، فقط دارای نشانه‌های ده‌آیه که بعدها اضافه شده‌اند، مربوط به قرن دهم/سوم هجری.
۲۰. BI Or. ۱۲۸۸۴: قدیمی‌ترین قرآن کاغذی در کتابخانه بریتانیا، به خط کوفی شکسته یا کوفی شرقی، دارای نشانه‌های تک، پنج و ده‌آیه، مربوط به اوایل قرن چهارم هجری.
۲۱. Muṣḥaf Sharīf: نسخه خطی فتوکپی کوچک از قرآن ۱۰۹۳/۱۶۸۲، دارای نشانه‌های تک و ده‌آیه، به خط Ḥaṣṣ از قرائت عاصم.
۲۲. Warsh: نسخه چاپی جدید از متن منسوب به ورش از قرائت نافع، دارای نشانه‌های تک و ده‌آیه، به خط مغربی.

ب. تغییرات متنی

اسمال پس از ذکر ویژگی‌های بیست و دو نسخه خطی، در بخشی با عنوان «مشاهده تغییرات متنی» تلاش کرده است ضمن پرداختن به انواع و گونه‌های متنی در حروف صدادار یا کشیده و همچنین گونه‌های املایی مربوط به اسامی خاص، به مواردی چون اشتباهات رونویسی، گونه‌های علائم دیاکریتیکال (diacritical)، گونه‌هایی که بر دستور زبان تأثیر می‌گذارند، گونه‌های رسم‌الخط، تقسیم‌بندی‌های مختلف آیات و تصحیحات فیزیکی نسخه‌های خطی پردازد و تغییرات متنی را در آنها رهگیری نماید.

این پژوهشگر در ابتدا نقل قولی از مک کنزی می‌آورد که هرگونه تاریخی از کتاب - که تحت تأثیر تغییرات تایپوگرافیکی و مادی قرار دارد - باید تاریخی از سوءبرداشت‌ها باشد. سپس در موافقت با



جفری، تغییرات متنی قرآن را محصول سرکوب در راستای اهداف تفسیری یا به عبارتی در خدمت سنت ارتدوکسی قلمداد می‌نماید. وی معتقد است که تغییرات متنی توسط جفری، برگشتر، اسر و پرتزل هرچند جمع‌آوری شد اما مورد تحلیل و ارزیابی قرار نگرفت. به همین جهت نمی‌توان دریافت که چه مقدار از تغییرات متنی محصول سرکوب است؟ آیا تغییرات قابل توجهی از تشخیص و اصلاح در میان تلاش‌های مختلف برای استانداردسازی و بهبود متن فرار نموده‌اند؟ تغییراتی که می‌توان در نسخه‌های خطی یافت، چگونه با تغییراتی که ادعا می‌شود در نسخه‌های خطی و انتقالات شفاهی توصیف شده در ادبیات اسلامی وجود داشته‌اند، مقایسه می‌شوند؟

از این رو، او با تمسک به باور ابن خلدون درباره نبود مهارت نوشتن در میان صحابه و تصدیق علمای قرون وسطی به تغییرات متنی قرآن حتی در متن عثمانی، معتقد است که نقد متنی قرآن حائز اهمیت است. بررسی و طبقه‌بندی تغییرات موجود در نسخه‌های خطی قرآن، باوجود تردیدها، برای درک بهتر تاریخ و اصالت متن قرآن ضروری است. همچنین با رهگیری تغییرات متنی می‌توان به تعیین عمده‌ی غیرعمدی بودن تغییرات، تأثیرات منطقه‌ای بر متن و تأثیرات سنت شفاهی بر متن مکتوب دست یافت.

۱. گوناگونی‌های نوشتاری مرتبط با حروف صدادار بلند (کشیده) در نسخه‌های خطی قرآن

اسمال با توجه به توسعه املائی حروف صدادار «الف»، «یاء» و «واو»، آنها را نمایانگر تکامل زبان عربی می‌داند که به‌خوبی می‌تواند فرایند انتقال از سیستم جزئی به سیستم کاملاً آوایی را توضیح دهد. از دیدگاه اسمال، استانداردسازی استفاده از این حروف پدیده‌ای است که در نسخه‌های خطی سه قرن نخست اسلام قابل مشاهده است. استفاده از این حروف در مقایسه با سایر حروف رسم الخط بسیار متغیرتر است؛ به گونه‌ای که حذف می‌شوند، اضافه می‌گردند و گاهی نیز با یکدیگر جابجا می‌شوند.

در دوره اولیه، روش‌های مختلفی برای نوشتن همزه به کار می‌رفت که در نهایت به اختراع و گنجاندن یک شکل صامتی برای این حرف انجامید. در ابتدا، همزه کاملاً حذف می‌شد. بعدها، برای نشان دادن آن از حروف «الف»، «یاء» یا «واو» استفاده می‌گردید. همچنین، در برخی نسخه‌های خطی نقاطی اغلب به رنگ سبز برای نشان دادن تلفظ همزه به کار می‌رفت. سرانجام، علائم خاصی برای نشان دادن موقعیت و نحوه استفاده از همزه ابداع شد.

این فرایند توسعه را می‌توان در نسخه‌های خطی باقی‌مانده از آن دوران مشاهده کرد. برخی از این گونه‌های املائی ممکن است بر معنای متن تأثیر بگذارند. در مواردی که چنین مسئله‌ای وجود داشته باشد، با توجه به نوع خاص مورد بررسی، به آن پرداخته خواهد شد.

۱-۱. گونه‌های مربوط به الف، یاء و واو

رایج‌ترین گونه‌های مشاهده‌شده در نسخه‌های خطی اولیه، دامنه گونه‌های مرتبط با الف هستند که نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری در مراحل اولیه خط عربی است.

اسمال استدلال می‌کند که نسخه‌های خطی اولیه قرآن انعطاف‌پذیری املائی را نشان می‌دهند، به‌ویژه در حذف الف میانی، و ادعاهای بیستون، بلاو و تاکستون مبنی بر اینکه چنین حذف‌هایی هنجاری هستند را به چالش می‌کشد. در عوض، تنوع در بین نسخه‌های خطی (مانند نسخه استانبول و BL Or) ۲۱۶۵ حذفیات متناقضی را نشان می‌دهد که نشان‌دهنده یک املائی انتقالی و غیراستاندارد، به‌جای قوانین سخت‌گیرانه است. مثال‌هایی مانند «قال» (نوشته‌شده به صورت «قل») خطرات ابهام را برجسته می‌کند که با زمینه یا سنت شفاهی حل می‌شوند. محققانی مانند دروش این مسئله را به اعمال اولیه کاتبان نسبت می‌دهند، در حالی که رپین مفاهیم الهیاتی (مانند تغییر در گفتار الهی در مقابل انسانی) را مطرح می‌کند. نویسنده نتیجه می‌گیرد که این گونه‌ها تا قبل از استانداردسازی قرن هشتم، منعکس‌کننده قراردادهای در حال تکامل، تأثیرات دیالکتیکی و انتخاب‌های عمل‌گرایانه کاتبان هستند.

اسمال در ادامه به الف مقصوره یا الف خنجری می‌پردازد و معتقد است وجود و تنوع «الف خنجری»، همراه با جایگزینی «الف/یا» نشان می‌دهد که املائی اولیه قرآن سیال بوده و هنوز استاندارد نشده است. این مفهوم، نظریه یک متن «عثمانی» واحد و بدون تغییر را به چالش می‌کشد. الف خنجری، الف کوچکی است که در بالا یا پایین خط در قرآن‌های چاپی قرار می‌گیرد و بیانگر تلفظی است که به صراحت در رسم نیست. نسخه ۱۹۲۴ قاهره از آن برای تقریب متن فرضی «عثمانی» استفاده می‌کند. با این حال، نسخه‌های خطی اولیه اغلب فاقد این الف‌های خنجری هستند، در حالی که نسخه ۱۹۲۴ آنها را داراست. گاهی نسخه‌های خطی اولیه حتی یک الف «کامل» دارند که در متن ۱۹۲۴ از الف خنجری استفاده شده است، یا اصلاً الف وجود ندارد. این ناهماهنگی نشان می‌دهد که نسخه ۱۹۲۴ بر سنت‌های بعدی، نه تنها نسخه‌های خطی اولیه، تکیه دارد و نسخه‌های خطی اولیه انعطاف بیشتری در نمایش این صداها داشتند. نمونه‌های معاصر دیگری از این تفاوت‌ها در چاپ متون حفص و ورش دیده می‌شود؛ یکی الف را به‌عنوان یک حرف کامل در خط اصلی متن ثبت می‌کند، در حالی که دیگری آن را به صورت الف خنجری نشان می‌دهد.

سوره ابراهیم آیه ۳۸: عال	علا ۳۳۲، ۳۳۳c, Topkapi, ۰۱-۲۰.x, BNF
سوره ابراهیم آیه ۳۹: عال	علا ۳۳۲، ۳۳۳c, BNF



اسمال به بررسی املائی کلمه «علی» (بر) در نسخه‌های خطی اولیه قرآن پرداخته و نشان داده است که این کلمه گاهی به شکل «عال» نوشته شده است. او معتقد است که این تغییر املائی می‌تواند نشان‌دهنده یک فرم گرافیکی قدیمی‌تر از کلمه باشد که ریشه در زبان آرامی دارد، یا اینکه صرفاً تفاوتی منطقه‌ای در املا بوده است. وی به نسخه‌هایی اشاره می‌کند که در آنها هر دو شکل «علی» و «عال» در یک صفحه از متن آمده‌اند، که نشان می‌دهد این دو شکل به طور همزمان و به‌عنوان املائی قانونی کلمه مورد استفاده قرار می‌گرفتند. اسمال نتیجه می‌گیرد که این گونه‌های املائی نمونه‌هایی از املائی انعطاف‌پذیر در دوره‌ای هستند که هنوز خط صامت عربی به طور دقیق استاندارد نشده بود.

اسمال همچنین به تغییرات حرف «یاء» در نسخه‌های خطی اولیه قرآن اشاره کرده است. او بحث می‌کند که این تغییرات از املائی منعطف فراتر رفته و شامل حذف «یاء» (مثلاً «لقموا» به جای «لیقموا»)، اشتباهات احتمالی کتبی، و درج «یاء» به جای «الف» می‌شود. اسمال چندین توضیح ممکن را بررسی می‌کند، از جمله اینکه این تغییرات می‌تواند نشان‌دهنده یک دیفتونگ، تلفظی منطقه‌ای، قرارداد املائی موقت، یا سبکی از تلاوت گمشده باشد. با این حال، او در نهایت از فرضیه تلفظ منطقه‌ای حمایت می‌کند، زیرا نقطه‌گذاری در نسخه‌های خطی به صورت ثابت و عمدی انجام شده است. این یافته‌ها نشان‌دهنده سیال بودن خط اولیه قرآن است.

در ادامه تحلیل، مسئله همزه مورد بررسی قرار می‌گیرد. اسمال استدلال می‌کند که این حرف در نسخه‌های اولیه وجود نداشته و به تدریج تکامل یافته است. به عبارت دیگر، املائی اولیه قرآن فاقد نماد متمایز برای همزه بوده است که این امر بازتابی از تلفظ گویش مکی آن زمان است. افزودن همزه در مراحل بعدی، همراه با سیستم‌های نشانه‌گذاری دیگر، نشان‌دهنده استانداردسازی یک تلفظ خاص (شرق عربی) است. اسمال از شواهدی چون عدم وجود همزه در نسخه‌های خطی اولیه، نمایش‌های جایگزین همزه (الف، یاء، و حذف مانند «افنده» به «افده» یا «افاده») و تکامل تدریجی نشانه‌گذاری همزه بهره می‌برد. او معتقد است که حذف همزه در نسخه‌های خطی اولیه به گویش مکی نسبت داده می‌شود، در حالی که گنجاندن آن در مراحل بعدی، منعکس‌کننده تأثیر گویش‌های دیگر است.

۲-۱. انواع املاء در اسامی خاص قرآنی

اسمال پس از بیان انواع و گونه‌های تغییرات املائی، یا به عبارت دیگر تغییرات متنی در حروف صدادار، به بررسی تغییرات املائی سه نام خاص قرآنی -ابراهیم، اسماعیل و اسحاق- در نسخه‌های خطی اولیه می‌پردازد و بر سیالیت املائی آن‌ها تأکید می‌کند. همچنین پیامدهای این تغییرات را برای فرآیندهای استانداردسازی زبانی، کلامی و متنی روشن می‌سازد.

یک. ابراهیم

انواع املائی	مصحف
ابرهیم	BL Or, ۲۱۶۵, BNF, BNF ۳۲۸a, BNF ۳۲۶a
ابرهیم	Istanbul, Topkapi, ۰۱-۲۸/۱, ۰۱-۲۹/۱, ۰۱-۲۰.x, BNF, ۳۲۵a, ۳۳۲, ۳۳۳c, ۳۳۴c, ۳۴۰c, Meknes, BNF ۳۴۳, ۳۷۰a
ابرهیم	۱۴:۳۵:۱BL Or. ۱۲۸۸۴, Sharīf, Warsh

اسمال به تحلیل انواع متنی نام «ابراهیم» پرداخته و از دیدگاه هایپکینز بهره برده است. او معتقد است حذف الف میانی در نسخه های اولیه پاپیروس و مصاحف حجازی رایج بوده، اما در نسخه های عباسی بعدی اضافه شده است. این تغییر ممکن است نشان دهنده اصلاح خطاهای کاتبان، تفاوت تلفظ منطقه ای، آموزش به غیر عرب زبانان، یا تحمیل تلفظ یکسان باشد.

نسخه های حجازی اولیه مانند BL Or. ۲۱۶۵ و Paris BNF ۳۲۸a که فاقد الف میانی هستند، می توانند به عنوان شاهد این امر تلقی شوند، در حالی که در نسخه های متأخرتر مانند مصاحف عباسی، الف اضافه شده است.

در این میان، دیدگاه الهیاتی/ایدئولوژیک نیز قابل توجه است؛ دیدگاهی که تلاش دارد تلفظی «اسلامی» متمایز از تلفظ مسیحی یا یهودی ایجاد کند. حذف الف در نسخه های اولیه و افزودن آن در دوره های بعدی، همزمان با شکل گیری هویت اسلامی رخ داده است.

اسمال برای توضیح حذف یا حضور یاء در نام ابراهیم، به دیدگاه هالیم (Haleem) اشاره می کند. هالیم معتقد است حذف یاء در سوره بقره به دلیل قاعده ضعیف ریشه سوم در حالت رفع یا جر است، اما اسمال این توجیه را ناکافی می داند، زیرا در سایر سوره ها و نسخه ها، یاء حضور دارد. متن فعلی قرآن ۱۹۲۴ قاهره نیز یاء را فقط در سوره بقره حذف کرده است.

فون دنفر (Von Denffer) با ارجاع به السیوطی و ابن ابی داوود در منابع اسلامی ذکر کرده است که در مصحف ابوموسی اشعری، نام ابراهیم به صورت «ابراهم» (بدون یاء) خوانده می شده است. جفری (Jeffery) دیدگاه دیگری دارد و معتقد است تغییرات املائی نام ابراهیم نشان دهنده تحولات ریشه شناسی و تأثیر زبان های سامی (مانند سریانی) است. وجود پنج شکل مختلف املائی در منابع اسلامی (مانند ابراهام، ابراهیم، ابرهیم) شاهی بر این مسئله است.



پوین (Puin) و الاعظمی (Al-Azami) تغییرات و تفاوت‌های متنی نام‌ها را ناشی از خطاهای کاتبان دانسته و معتقدند نسخه‌های ناهمخوان با رسم الخط عثمانی باید کنار گذاشته شوند. نسخه‌های صنعا نشان می‌دهند که به طور مداوم از یاء برای نشان دادن آ بلند استفاده می‌شده است. رپین (Rippin) و مینگانا (Mingana) این تغییرات املائی را نشان‌دهنده تأثیر تلفظ سریانی و انعطاف‌پذیری خط عربی اولیه می‌دانند.

دو. اسماعیل

انواع املائی	مصحف
اسمعیل	Ismā'īl ۰۱-۲۸/۱, ۰۱-۲۹/۱, ۰۱-۲۰.x, BL Or. ۲۱۶۵, BNF ۳۲۵a
اسمعل	Istanbul بدون یاء
اسْمِعیل	BL Or. ۱۲۸۸۴, Sharīf, Warsh با الف خنجری

«اسماعیل» پایدارترین نام مشاهده‌شده در نسخه‌های خطی قلمداد می‌شود که تنها یک نسخه متفاوت از این نام در نسخه‌های بررسی‌شده یافت شده است. در نسخه خطی استانبول، نام اسماعیل بدون یاء (اسمعل) آمده است. این تغییر املائی سؤالاتی را مطرح می‌کند: آیا این یک اشتباه رونویسی است؟ این ایده با این واقعیت پشتیبانی می‌شود که نه جفری و نه دیگران چنین تغییری را در ادبیات قرآنی اسلامی بعدی ثبت نکرده‌اند. همچنین، به نظر می‌رسد این تغییر با ایده وجود یک ریشه سریانی در پشت این کلمه مغایرت دارد. مینگانا مشاهده کرده که شکل نرمال قرآنی این نام که شامل یاء است، دقیقاً معادل شکل سریانی آن می‌باشد.

سه. اسحاق

انواع املائی	مصحف
اسحق	Istanbul, ۰۱-۲۹/۱, ۰۱-۲۰.x, BL Or. ۲۱۶۵, BNF ۳۲۵a, ۳۲۶a, ۳۲۸a, ۳۳۰a, ۳۳۱, ۳۳۲, ۳۳۴c, ۳۴۰c, ۳۷۰a, SamK, Meknes
اسحاق	BNF ۳۳۳c با الف کامل
اسحق	BL Or. ۱۲۸۸۴, Sharīf, Warsh با الف خنجرى

براساس یافته‌های این تحقیق، فقدان الف در متون اولیه با اشکال سریانی/عبری در تضاد است و بیانگر یک تلفظ اسلامی در حال تکامل می‌باشد. مینگانا شکل استاندارد این نام را به نفوذ سریانی نسبت می‌دهد، در حالی که اضافات بعدی نشان‌دهنده استانداردسازی املائی است. اسمال در جمع‌بندی خود اشاره می‌کند که نظرات کسانی چون ریپین، پوین، مینگانا، فیشر، فدللی و بلاشر و همچنین بار، نشان‌دهنده تغییرات و تنوع املائی نام‌های خاص در قرآن است که متأثر از زبان‌های سامی پیشین (مانند آرامی و عبری) و تحولات استانداردسازی متأخر بوده است.



۲. اشتباهات رونویسی (خطاهای نسخه‌برداری)

اسمال به بحث درباره مشاهده انواع متنی و اشتباهات رونویسی یا خطاهای نسخه‌برداری کاتبان پرداخته و معتقد است که تمام سنت‌های نسخه‌برداری نسخه‌هایی دارند که به وضوح نتیجه بی‌دقتی و عدم توجه کاتب هستند. در سنت‌های نسخ خطی باستانی، عادات کاتب معمولاً بسیار دقیق و ظریف بود، اما گاهی اوقات لغزش‌هایی وجود داشت که منجر به اشتباه می‌شد. اسمال به نمونه‌هایی اشاره می‌کند که در آن‌ها حروف اضافه، تغییر یا حذف شده‌اند. به این ترتیب، برخی از نمونه‌های هاپلوگرافی (haplography) و تغییرات علامت دیاکرتیکال (علائم آوایی) در اینجا گنجانده شده است. هاپکینز اشاره دارد که مجموعه‌های مواد اولیه عربی از همه نوع، لغزش‌های کاتب را نشان می‌دهد که منجر به حذف حروف و حتی کلمات می‌شوند. این موضوع علاوه بر وجود انواع دیگر اشتباهات، در مورد نسخه‌های خطی قرآن نیز صادق بوده است. اسمال سپس به این موارد اشاره می‌کند:

حروف اضافی

توضیح	کلمه درست	کلمه نادرست	نسخه خطی	آیه / مورد
یک حرف دندانه اضافی	وللی	وللی	مکناس	سوره ابراهیم آیه ۳۵
یک حرف دندانه اضافی	السما	السمنا	۰۱-۲۰.X	سوره ابراهیم آیه ۳۸
یک حرف دندانه اضافی	الذی	الذنی	توپکاپی	سوره ابراهیم آیه ۳۹
حروف اضافی	دعا	الدعا	BNF ۳۷۰a	سوره ابراهیم آیه ۴۰
حرف اضافی (احتمالاً یاء مضاعف)	در لیلی	در لیلی	استانبول	سوره ابراهیم آیه ۴۰

در مورد کلمه «در لیلی»، نویسنده اشاره می‌کند که شاید به جای یک حرف اضافی، دو حرف «ی» پشت سر هم (یاء مضاعف) باشد، که در املائی نقطه‌دار کلمه دیده می‌شود. اما چون این مورد در این نسخه خطی رایج نیست، احتمالاً خطای کاتب است.

جابه‌جایی علائم نقطه‌گذاری (اعراب) و حروف مشابه

توضیح	نصحیح	خطای املائی	نسخه خطی	آیه / مورد
جایگزینی نون به جای تاء در پسوند	ذریتی	نون به جای پسوند تاء: ذرینی	توپکاپی	سوره ابراهیم آیه ۳۷
جایگزینی باء به جای یاء	غیر	باء به جای یاء: غبر	توپکاپی	سوره ابراهیم آیه ۳۷
جایگزینی زاء به جای راء	زرع	زاء به جای راء: رزع	BNF ۳۳۴c	سوره ابراهیم آیه ۳۷
جایگزینی جیم به جای حاء	المحرم	جیم به جای حاء: المجرم	BNF ۳۳۰a	سوره ابراهیم آیه ۳۷
جایگزینی فاء به جای قاف	وارزفهم	فاء به جای قاف: وارزفهم	۰۱-۲۸/۱	سوره ابراهیم آیه ۳۷
جایگزینی نون به جای یاء در انتهای کلمه	وبنی	نون نهایی به جای یاء: وبنن	BNF ۳۲۸a	سوره ابراهیم آیه ۳۵
جایگزینی نون به جای یاء در انتهای کلمه	تهوی	نون نهایی به جای یاء: تهون	BNF ۳۳۴c	سوره ابراهیم آیه ۳۷
حذف نقطه از لام	احعلنی	لام بدون نقطه: احعنی	۰۱-۲۰.X	سوره ابراهیم آیه ۴۰

هابلوگرافی

حرف / حروف حذف شده	کلمه درست	کلمه نادرست (حذف شده)	نسخه خطی	آیه / مورد
باء	تبعنی	تعنی	BL Or. ۲۱۶۵	سوره ابراهیم آیه ۳۶
یاء	ایقیموا	لقموا	BNF ۳۲۶a	سوره ابراهیم آیه ۳۷
یاء	اسمعیا	اسمعا	استانبول	سوره ابراهیم آیه ۳۹
یاء	اسمیع	اسمع	استانبول	سوره ابراهیم آیه ۳۹

هابلوگرافی (Haplography) یا «حذف ناخواسته»، به اشتباهی در نسخه‌برداری اشاره دارد که طی آن بخشی از متن به طور غیرعمدی حذف می‌شود. این جدول نشان می‌دهد که در هر مورد، کدام حرف یا حروف از کلمه اصلی در نسخه خطی حذف شده است. به عنوان مثال، در آیه ۲: ۱۴: ۳۶، حرف «ب» از کلمه «تبعنی» حذف شده و به «تعنی» تبدیل شده است.

۳. تغییرات علائم نقطه‌گذاری و تأثیر آنها بر دستور زبان در نسخه‌های خطی قرآن

اسمال در بخش دیگری به علائم آوانگاری که می‌توانند بر دستور زبان تأثیر بگذارند، پرداخته و توضیح می‌دهد که نسخه‌های خطی اولیه قرآن فاقد اعراب و نشانه‌های تمایز حروف بودند. برخی این امر را به خاطر مخالفت‌ها در باب نقطه‌گذاری در دوران اولیه می‌دانند. فقدان اعراب، ابهاماتی را در خواندن و تفسیر متن ایجاد می‌کرد. البته گروندلر (Gruendler) و گروهمن (Grohmann) بر این نظر هستند که در قدیمی‌ترین نسخه‌های قرآنی، نشانه‌های اعراب به صورت نظام‌مند اما گزینشی استفاده می‌شدند. آنچه بدیهی است این است که به تدریج، سیستم‌های مختلفی برای نقطه‌گذاری و اعراب‌گذاری حروف به وجود آمد که این سیستم‌ها در مناطق مختلف و بین نسخه‌برداران گوناگون، متفاوت بودند. برخی از این تغییرات املایی حتی می‌توانستند معنای کلمات و قواعد دستوری را تغییر دهند. این نشان می‌دهد که نسخه‌برداران گاهی برای تصحیح متن تغییراتی را اعمال می‌کردند. با این حال، این تغییرات نسبتاً اندک بودند و به طور کلی به معنای کلی متن آسیب نمی‌رساندند. این نشان می‌دهد که نسخه‌برداران در حفظ متن اصلی کوشا بوده‌اند و می‌توان این‌گونه بیان کرد که این اختلافات در نسخه‌های خطی اولیه به تدوین و استانداردسازی متن قرآن در طول زمان کمک کرده است. با بررسی این اختلافات، می‌توانیم درک بهتری از چگونگی تکامل متن قرآن داشته باشیم.

تغییرات علائم نقطه گذاری	توضیح	مثال‌ها/ جزئیات مشخص	پیامدها
استفاده پراکنده از نشانه‌های نقطه گذاری	کاربرد ناهمگون نشانه‌های نقطه گذاری، حتی در یک نسخه خطی واحد	- نسخه خطی ۱۸: ۲۱۶۵ BL Or. از ۲۷ «نون» ابتدایی در سوره ابراهیم آیات ۳۶ تا ۴۱، نقطه گذاری شده‌اند. - نسخه خطی ۸: ۳۲۸a BNF از ۲۷ «نون» ابتدایی در سوره ۱۴: ۳۵-۴۱ نقطه گذاری شده‌اند - نسخه خطی ۵: ۲۱۶۵ BL Or. از ۹ «تاء» ابتدایی نقطه گذاری شده‌اند. - نسخه خطی ۰: ۳۲۸a BNF از ۹ «تاء» ابتدایی نقطه گذاری شده‌اند.	- نشان‌دهنده سیالیت سیستم‌های نقطه گذاری اولیه است - نشان‌دهنده کاربرد انتخابی، حتی در سیستم‌های تثبیت شده است - نیاز به بررسی دقیق هر مورد را نشان می‌دهد.
سیستم‌های متفاوت نشانه‌های نقطه گذاری	تفاوت در روش‌های مورد استفاده برای نمایز حروف مشابه، به ویژه «فاء» (ف) و «قاف» (ق).	سیستم‌های «فاء» و «قاف»: سیستم ۱: یک خط بالا برای «فاء»، دو خط بالا برای «قاف»، ۱/۲۸-۰۱، ۳۲۶a, BNF ۳۲۵a) حفص، شریف. سیستم a۱: فقط «فاء» بالا نقطه گذاری شده است (BNF ۳۳۰a, ۳۳۱, ۳۳۴c) سیستم ۲: یک خط پایین برای «فاء»، یک خط بالا برای «قاف» (استانبول، ورش) سیستم ۳: یک خط بالا برای «فاء»، یک خط پایین برای «قاف» (توپکایی، ۰۱-۲۹/۱). سیستم ۴: نه «فاء» و نه «قاف» نقطه گذاری نشده‌اند (BL Or. ۲۱۶۵, ۰۱-۲۰.x, SamK, BNF ۳۲۸a, ۳۳۲, ۳۳۳c, ۳۴۰c, ۳۴۳, ۳۷۰a, تغییرات دیگر: نسخه خطی ۰۱-۲۹/۱ از سیستمی استفاده می‌کند که در آن نقاط منفرد بالا و پایین حروف مختلف قرار می‌گیرند، نه فقط «فاء» و «قاف».	- نشان‌دهنده مرحله توسعه سیستم‌های نقطه گذاری است. - نشان‌دهنده تفاوت‌های منطقه‌ای در سنت‌های نسخه خطی است. - هنگام مواجهه با سیستم‌های مختلف، احتمال اشتباه خواندن را ایجاد می‌کند.
تغییرات صامت‌ها به دلیل نشانه‌های نقطه گذاری	استفاده از نشانه‌های نقطه گذاری که صامت را تغییر می‌دهد، منجر به تغییرات دستوری و معنایی می‌شود.	- تفاوت در نقطه گذاری «فاء» و «قاف» می‌تواند منجر به خواندن یک حرف به عنوان دیگری شود، و در نتیجه کلمه را تغییر دهد. - نبود نشانه‌های نقطه گذاری در بعضی از نسخ مانند ۲۰-۰۱x باعث ایجاد موقعیت‌هایی می‌شود که حرف اصلی نامشخص است. - ناهماهنگی عمومی در نقطه گذاری حروف مشابه.	- اهمیت نشانه‌های نقطه گذاری برای خواندن دقیق را برجسته می‌کند. - پتانسیل تغییرات متنی در نسخه‌های خطی اولیه را نشان می‌دهد. - نقش انتقال شفاهی در روشن کردن ابهامات را تأکید می‌کند.
نسخه خطی ۰۱- ۲۰x.	نسخه خطی بدون هیچ‌گونه نشانه نقطه گذاری	- در میان نسخه‌های خطی اولیه کوفی به دلیل فقدان شدید نقطه گذاری برجسته است - بازتاب‌دهنده مقاومت احتمالی در برابر معرفی ابزارهای کمک خواندن است.	- شواهدی از دوره‌ای ارائه می‌دهد که در آن نشانه‌های نقطه گذاری به طور جهانی پذیرفته نشده بودند. - طیف وسیعی از روش‌های نقطه گذاری را نشان می‌دهد.
نسخه خطی ۰۱- ۲۹/۱	نسخه خطی با سیستم غیر معمول نشانه‌های نقطه گذاری	- از نقاط منفرد بالا و پایین حروف مختلف، نه فقط «فاء» و «قاف» استفاده می‌کند - صامت‌های بیشتری نسبت به سایر نسخه‌های خطی هم‌عصر و هم‌خط نقطه گذاری شده‌اند - حرف قاف در زیر نقطه گذاری شده است.	- سیستم منحصر به فرد و تمایزی از نشانه گذاری نقطه گذاری را نشان می‌دهد. - نشان می‌دهد که سیستم‌های بسیار متنوعی در حال استفاده بوده است.



می‌توان به این نتیجه رسید که بررسی نقطه‌گذاری در نسخه‌های خطی اولیه، کلید فهم تحول متن قرآن قلمداد می‌شود. از طرفی، این بررسی نقش انتقال شفاهی را نشان می‌دهد که در زمانی که نشانه‌های نقطه‌گذاری وجود نداشت، انتقال شفاهی از اهمیت بالایی برخوردار بود و به رفع ابهام‌ها کمک می‌کرد. همچنین، این تنوع سیستم‌های نقطه‌گذاری نشان‌دهنده پویایی و تکامل زبان عربی و خط آن در قرون اولیه اسلام است که حتی می‌توان گفت تاحدودی معلول تأثیرات منطقه‌ای است؛ چون نحوه نقطه‌گذاری در مناطق مختلف جهان اسلام، مانند حجاز، یمن و مغرب، متفاوت بود.

اسمال در ادامه این بحث، به چند مورد مربوط به قرار دادن نقاط نشانه‌گذاری که عملکرد دستوری اساسی کلمه را تغییر می‌دهند، اشاره می‌کند؛ به‌عنوان مثال، تغییرات نشانه‌های نقطه‌گذاری: ثاء به‌جای ثاء. «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْنَتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَاةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم: ۳۷) در نسخه «BNF ۳۳۴c»، «الثمرت» به‌جای «الثمرت» آمده است.

در متن مورد بحث، تفاوت در نقطه‌گذاری کلمه «الثمرات» (میوه‌ها) در نسخه‌های خطی اولیه مورد بررسی قرار گرفته است. در برخی نسخه‌ها، این کلمه به‌صورت «الثمرات» (خرماها) نقطه‌گذاری شده است. این تفاوت نقطه‌گذاری، معنای کلمه را از «میوه‌ها» به «خرماها» تغییر می‌دهد.

دلیل علامت سؤال در عنوان، ویژگی املائی این حرف در آیه ۳۷ است. دو نقطه مورد استفاده برای تعیین حرف به‌عنوان «ثاء» به‌طور متفاوتی از قرارداد معمول در این نسخه خطی نوشته شده است. معمولاً از دو خط یا خط تیره استفاده می‌شود و آنها به‌صورت عمودی، یکی بالای دیگری، چه مستقیماً بالای حرف یا مورب به سمت بالا و چپ نوشته می‌شوند. با این حال، علائم بالای این حرف، دو نقطه هستند که بلافاصله بالای حرف در کنار هم نوشته شده‌اند. در این نسخه خطی، فقط یک «ثاء» با سه نقطه مشخص شده است، کلمه «یثبت» در آیه ۲۷ سوره ابراهیم. در آن محل، با سه نقطه در یک مثلث مشخص شده است که به سمت پایین و چپ اشاره می‌کند.

گروندلر اشاره می‌کند که اشکال اولیه این نشانه‌های نقطه‌گذاری، اشکال و جهت‌گیری‌های متمایزی داشتند. «ثاء»ها در متون کتیبه‌ای از دو خط کوتاه استفاده می‌کنند که به‌صورت عمودی یا مورب بالای یا کنار حرف تراز شده‌اند BNF ۳۳۴c. از این قرارداد پیروی می‌کند. «ثاء»ها با سه نقطه در یک مثلث متمایز می‌شوند که به سمت پایین و چپ اشاره می‌کند BNF ۳۳۴c. در سوره ابراهیم آیه ۲۷ از این قرارداد دقیق استفاده می‌کند، اما در آیه ۳۷ دو نقطه به‌صورت افقی تراز شده‌اند و هیچ نشانه‌ای از نقطه

سوم وجود ندارد. به نظر می‌رسد که «تاء» است نه «ثاء»، و «تاء» از نوع نشانه‌گذاری که در جای دیگری از این متن استفاده نشده است، اما شناخته شده است که بعداً مورد استفاده قرار گرفته است. به این ترتیب، نقاط می‌توانستند توسط یک کاتب بعدی اضافه شده باشند.

با در نظر گرفتن آن به عنوان «تاء»، می‌تواند یک افزودنی عمدی برای تغییر معنای کلمه از «میوه» عمومی به «خرما» خاص‌تر، «تمر» باشد. این احتمالاً یک افزودنی بعدی بوده است زیرا کلمه «تمر» در قرآن گواهی نشده است.

تغییر شخص

در محل انتخاب‌شده، دو مکان وجود داشت که نسخه‌های خطی دارای تغییرات شخص بودند و این تغییرات توسط نقاط نشانه‌گذاری مشخص شده‌اند.

مکان اول: در نسخه خطی قرآن «۱۱/۲۹-۱۰»، آیه ۴۱ سورة ابراهيم: «لِّلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» در این نسخه، «تاء» به جای «یاء» نوشته شده است: «تقوم» به جای «يقوم».

این تغییر، تغییر شخص از سوم شخص به دوم شخص است: «و مؤمنان در روزی که تو حساب را محاسبه می‌کنی» به جای «زمانی که حساب محاسبه می‌شود». این تغییر، متن را از روایت به گفتگوی مستقیم تبدیل می‌کند. این امر دعا را از نظر داخلی منسجم‌تر و شخصی‌تر بین ابراهیم و الله مطرح می‌کند. همچنین قابل تصور است که این تغییر برای افزایش درام روایت و تأکید بر الله به عنوان داور نهایی ایجاد شده باشد. اسمال بر این باور است که این تغییر وضوح و حس متن را بهبود می‌بخشد. همچنین، تغییر شخص از سوم شخص به دوم شخص محتمل‌تر از برعکس به نظر می‌رسد، زیرا اگر در ابتدا دوم شخص بود، دلیل خوبی برای تغییر آن به سوم شخص وجود نداشت. این امر سوم شخص را در صورت مشخص شدن یکی از این دو در ابتدا، شکل متنی اولیه محتمل‌تر می‌کند. با این حال، هر دو تفاسیر مشروع از متن صامت بدون نقطه هستند و هر کدام می‌توانند اشکال متنی تفسیری از یک شکل متنی اولیه و مبهم‌تر باشند.

مکان دوم: این تغییر بر روایت مربوط به ابراهیم تأثیر می‌گذارد، جایی که او از طرف خود و پسرانش صحبت می‌کند و الله در مورد کسی که اسرار دل‌های مردم را آشکار می‌کند، سخن می‌گوید: «رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ» در نسخه توپکاپی، سورة ابراهيم، آیه ۳۸، «یاء» به جای «نون» نوشته شده است: «یعلن» به جای «نعلن». این تغییر به این معناست: «تو می‌دانی آنچه را که پنهان می‌کنیم و آنچه را که او آشکار کرد»، به جای خوانش استاندارد «تو می‌دانی آنچه را که پنهان می‌کنیم و آنچه را که آشکار می‌کنیم». اسمال این تغییر را با زمینه روایی کلی و الهیات قرآن مطابق می‌داند و می‌افزاید که اگرچه این تغییر ناخوشایند در یک خطاب مستقیم وجود دارد و احتمالاً اشتباه کاتب است، اما با ضربات جسورانه در



متنی با حروف کم دیگر که به وضوح مشخص شده‌اند، در آنجا قرار داده شده است. دو نمونه از این نوع تغییر نیز در پالیمپست‌ها وجود دارد.

بر اساس دیدگاه اسمال، می‌توان گفت که وجود تغییرات جزئی در نسخه‌های خطی اولیه قرآن، ناشی از تلاش کاتبان برای تصحیح دستور زبان و رفع ابهامات موجود در متن بوده است. این تغییرات، اگرچه کوچک، در زمینه‌های خاص خود حائز اهمیت بودند و نشان‌دهنده تمایل کاتبان به حفظ معنای کلی متن و وفاداری به آن هستند. همچنین، این تغییرات در سنت‌های بعدی مورد توجه ویژه قرار گرفتند و در آثار مختلفی ثبت شدند.

۴. انواع و تغییرات رسم

اسمال در ادامه بحث درباره انواع تغییرات متنی، به تغییرات مربوط به رسم الخط می‌پردازد؛ به عبارتی، تغییراتی که در خط صامت متن رخ می‌دهند. این تغییرات می‌توانند از یک حرف واحد تا بخش‌های طولانی متن را شامل شوند. در ادبیات و سنت اسلامی، بسیاری از این موارد به‌عنوان تغییراتی که در قرآن در قرون اولیه اسلام وجود داشته‌اند، فهرست شده‌اند. اسمال اشاره می‌کند که مدرسی و گیلیوت فهرست‌های گسترده‌ای از بخش‌هایی که تصور می‌شده زمانی در قرآن وجود داشته‌اند، اما به دلایل مختلف به متن فعلی قرآن راه نیافته‌اند، ارائه داده‌اند. مجموعه‌های تغییرات مانند MQ, MQQ و مجموعه جفری (Materials for the History of the Text of the Qur'an) نیز حاوی سوابق بسیاری از حروف، کلمات و حتی عبارات متغیر هستند. با این حال، با وجود فهرست شدن تعداد زیادی از این تغییرات در ادبیات ثانویه، عدم وجود آنها در نسخه‌های خطی موجود، منجر به مطرح شدن فرضیه‌های مختلفی برای توضیح این اختلافات شده است.

نسخه‌های خطی مورد بررسی در این مطالعه، حاوی برخی تغییرات در کلمات، حروف اضافه و حذف شده بودند. این تغییرات بر اساس اندازه و تأثیرشان بر رسم الخط، دسته‌بندی و ارائه شده‌اند.

۱-۴. روشن‌سازی املا

در نگاه اسمال، در نسخه خطی استانبول، در سوره ابراهیم آیه ۴۱، الف‌هایی به کلمات «الصَّلَوَه» و «وَلَوْلَدِي» اضافه شده‌اند که احتمالاً برای وضوح تلفظ یا پیروی از رسم الخط جدید بوده است. این تغییر در «وَلَوْلَدِي» با قرائت ابن مسعود مطابقت دارد. گفته می‌شود که چنین تغییری توسط زیاد بن ابیه (متوفی ۶۸۴ میلادی)، فرماندار اموی، که دستور اضافه کردن دو هزار الف به متن قرآن را داده بود، انجام شده است.

تغییرات مؤثر بر معنا به دلیل افزودن یا حذف حروف:

در نسخه خطی «۱۰۱-۲۹»، سوره ابراهیم آیه ۳۹: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ

وَإِسْحَاقَ»، کلمه «الکثر» به جای «الکثر» نوشته شده است. در این نسخه خطی، حرف دندانه‌ای اضافی در کلمه «الکثر» وجود دارد که به احتمال زیاد «یاء» است و کلمه را به «الکبیر» (به معنای پیری بسیار) تبدیل می‌کند. این تغییر می‌تواند عمدی (برای تأکید بر پیری ابراهیم) یا ناشی از اشتباه کاتب باشد. با این حال، نحوه نگارش دقیق آن، احتمال عمدی بودن را تقویت می‌کند، چرا که این شکل در موارد دیگری از قرآن نیز دیده شده است. در این نسخه خطی، حرف اضافه شده با ارتفاع متفاوت از حرف اول نوشته شده است، که روشی رایج برای تمایز بین حروف مشابه است. این تمایز با تغییر ارتفاع حروف هنگام نوشتن آنها در کنار یکدیگر ایجاد می‌شود.

در نسخه خطی «۱۰۱-۲۹»، سوره ابراهیم آیه ۴۰: «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ»، کلمه «دعا» به جای «دعان» نوشته شده است. در این نسخه خطی، حرف «نون» به انتهای کلمه «دعا» اضافه شده و آن را به «دعان» تبدیل کرده است. این تغییر، که احتمالاً عمدی است، می‌تواند کلمه را از «دعای من» به «دعای ما» تغییر دهد و با متن آیه مطابقت پیدا کند. این نوع تغییر در پالیمپست‌های قرآنی نیز دیده شده است. اسمال به نقل از پرنیس اشاره می‌کند که این شکل از «دعانی» است که در سوره بقره آیه ۱۸۶ («إِذَا دَعَا فَلَیَسْتَجِیْبُوا لَیَّ») رخ می‌دهد و به معنای «او به من دعا می‌کند» ترجمه می‌شود. با این حال، در اینجا به جای استفاده از شکل اسم با ضمیر متصل به عنوان مفعول غیر مستقیم، از همان شکل به عنوان ضمیر ملکی جمع مشترک اول شخص استفاده شده است. این امر تغییر را به یک اصلاح عمدی برای بهبود متن از نظر دستوری تبدیل می‌کند، به طوری که ترجمه تفسیری معمول «دعای من» به «دعای ما» تغییر می‌یابد. این نوع تغییر با تبادل اشکال مفرد و جمع نیز در پالیمپست‌های قرآنی یافت می‌شود. فدللی دو نمونه از این تغییرات را در سوره مائده آیه ۵۴ در پالیمپست بونامز ثبت کرده است.

۲-۴. کلمه متفاوت

در نسخه خطی قرآن «BNF ۳۷۰a»، آیه ۴۰ سوره ابراهیم: «وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ»، در این نسخه، عبارت «الدعا» به جای «دعا» نوشته شده است. در این نسخه خطی، حروف «ال» به کلمه «دعا» افزوده شده که دلیل آن به طور دقیق مشخص نیست. برخی از محققان احتمال می‌دهند که کاتب قصد تأکید بر این کلمه را داشته است، در حالی که برخی دیگر این تغییر را با اشاره به اقوال یهودی و مسیحی در مورد اسماعیل، به معنای «پسر خوانده» تفسیر کرده‌اند. هاپکینز نیز به کاربرد نادر «ال» در پاپیروس‌ها اشاره می‌کند. با این حال، هیچ کدام از این تفسیرها به طور کامل قانع کننده نیستند و به نظر می‌رسد این افزودن، نمادی با معنای نامعلوم برای ما بوده است.



تغییرات کلمه

این دسته از تغییرات به کلمات واحد محدود می‌شود. گروه‌های کلمات و عبارات در دسته‌ای جداگانه مورد بحث قرار خواهند گرفت.

مترادف با استفاده از یک حرف ربط متفاوت: واو به جای فا

در نسخه خطی «۳۲۸a BNF»، سوره ابراهیم آیه ۳۷: «رَبَّنَا لِتُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ»، در این نسخه، عبارت «واحعل» به جای «فاحعل» نوشته شده است. این تغییر حرف ربط از «فا» به «واو» تفاوت معنایی ایجاد می‌کند. اگر از «واو» استفاده شود، جملات و بندهای معادل به هم متصل می‌شوند، در حالی که استفاده از «فا» نشان‌دهنده توالی منطقی و نتیجه‌گیری است (به معنای «و سپس»، «بنابراین»، یا «در نتیجه»). در آیه مورد نظر، استفاده از «فا» (فاحعل) درخواست صریح ابراهیم را نشان می‌دهد، در حالی که استفاده از «واو» (واحعل) دلیل دیگری برای اسکان فرزندان ابراهیم ارائه می‌کند. خوانش استاندارد با «فا» با متن بهتر مطابقت دارد، و تغییر به «واو» احتمالاً ناشی از اشتباه کاتب است.

راب و داتون مشاهده کرده‌اند که عکس این تغییر (جایگزینی «فا» به جای «واو») در نسخه‌های دیگر نیز رخ داده است و آن را نشان‌دهنده تفاوت‌های منطقه‌ای بین قرائت‌های سوری و مدنی می‌دانند. همچنین، نمونه‌های دیگری از تغییرات بین این دو حرف ربط در نسخ خطی توپکاپی و پالیمپست‌ها وجود دارد که نشان می‌دهد این نوع تغییرات در نسخ خطی اولیه قرآن رایج بوده است.

۳-۴. کلمه گمشده

در نسخه خطی «۳۴۰c BNF»، سوره ابراهیم آیه ۳۷: «بَوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ»، عبارت «عیر زرعی» به جای «عیر ذی زرع» نوشته شده است. اسمال درباره این تغییر توضیح می‌دهد که حذف «ذی» از «عیر ذی زرع» و افزودن «یاء» به «زرع» (تبدیل آن به «زرعی») در این نسخه خطی رخ داده است. وی اشاره می‌کند که حذف «ذی» تأثیر چندانی بر معنا نمی‌گذارد، اما افزودن «یاء» به «زرع» می‌تواند معنای آن را از «دانه کاشته‌شده» به «فرزندان» تغییر دهد. این تغییرات احتمالاً ناشی از منسوخ شدن استفاده از «ذی»، اشتباه کاتب، یا قراردادهای سبکی خاص بوده‌اند. اسمال این مورد را یکی از مهم‌ترین نمونه‌های حذف یک کلمه در تمام نسخه‌های خطی قرآن می‌داند و از این مشاهده کلی حمایت می‌کند که متن قرآن در اکثر نسخه‌های خطی موجود به‌طور چشمگیری پایدار است.

با این حال، پالیمپست مینگانا حاوی نمونه‌هایی از کلمات اضافه‌شده و حذف‌شده است. صفحات پالیمپست که فدلی بررسی کرده، شامل کلمات و عبارات مختلفی است که اضافه یا حذف شده‌اند.

اسمال اهمیت این تغییرات را در این واقعیت می‌داند که اینها حذف‌های تصادفی نبوده‌اند که بعداً تصحیح شده باشند، بلکه متونی با تغییرات بسیار اساسی‌تر از آنچه در سایر نسخه‌های خطی موجود مشاهده می‌شود، بوده‌اند. وجود کلمات مختلف، از جمله کلمات اضافه شده و حذف شده، در فهرست‌هایی که گفته می‌شود مجموعه‌های اصحاب شامل آنها بوده‌اند، نیز دیده می‌شود. برخی از این سوابق شامل عبارات مختلفی هستند؛ برای مثال، جفری در مورد نسخه ابن مسعود در سوره بقره آیات ۱۹۸، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۲۹، ۲۳۳ و ۲۴۰ گزارش می‌دهد. علاوه بر این، ادعا می‌شود که واحدهای بزرگ‌تر عبارات و بخش‌هایی نیز قبل از استانداردسازی مشهور قرآن تحت خلافت عثمان وجود داشته‌اند.

۴-۴. انواع جابه‌جایی

جابه‌جایی‌ها، کلمات یا عباراتی هستند که در یک خط یا بین خطوط متن در کنار هم قرار گرفته‌اند. در نسخه‌های خطی مورد بررسی در این مطالعه، هیچ موردی از جابه‌جایی مشاهده نشد. با این حال، سوابقی وجود دارد که نشان می‌دهد چنین جابه‌جایی‌هایی در گذشته در قرآن وجود داشته‌اند. به عنوان مثال، جفری گزارش می‌دهد که ادعا شده است در نسخه خطی ابن مسعود، جابه‌جایی‌ای در سوره ابراهیم آیه ۲۴ وجود داشته است. علاوه بر این، سه نمونه از جابه‌جایی‌های متن در پالمپست بونامز در سوره مائده آیات ۴۸، ۴۱ و ۵۰ مشاهده شده است.

با این حال، یکی از نسخه‌های خطی مورد بررسی در این مطالعه، بخش قابل توجهی از یک خط را داشت که پاک شده و بازنویسی شده بود. این بازنویسی ممکن است نشان‌دهنده تلاش برای اصلاح یک اشتباه یا تغییر عمدی در متن باشد، اگرچه دلیل دقیق آن مشخص نیست. این مورد، اگرچه به طور مستقیم به جابه‌جایی مربوط نمی‌شود، اما نشان‌دهنده تغییراتی است که در فرآیند نسخه‌برداری یا بازنویسی متون قدیمی رخ داده‌اند.

۴-۵. ادغام عبارات

ادغام عبارات به ترکیب دو عبارت مختلف در یک عبارت جدید اشاره دارد. اگرچه در نسخه‌های خطی مورد بررسی نمونه‌ای از این پدیده یافت نشد، اما در رساله‌ای کلامی منسوب به حسن بصری آمده است: «بنابر این کلام پروردگارت درباره کافران محقق می‌شود که آنها اهل آتشند». به نظر می‌رسد این عبارت ترکیبی از آیه ۳۳ سوره یونس «أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» و آیه ۶ سوره غافر «أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» باشد. این پدیده، که در آثار سیبویه و مجموعه‌های جفری نیز گزارش شده، نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری اولیه در انتقال شفاهی قرآن است که پس از تثبیت متن، از بین رفت.

۴-۶. کلمات اضافی

از منظر این محقق، تغییرات کلمات و عبارات در نسخه‌های خطی قرآن، که می‌تواند عمدی یا غیرعمدی باشد، در پالیمپست‌ها بیشتر از نسخه‌های استاندارد دیده می‌شود و با گزارش‌های سنت اسلامی درباره جمع‌آوری قرآن مطابقت دارد. این تغییرات، که فیشر آن‌ها را داستان‌های مذهبی می‌دانست، توسط پالیمپست‌ها تأیید می‌شوند و نشان‌دهنده وجود نسخه‌های متنوع‌تری در دوره اولیه انتقال قرآن هستند. عدم وجود این تغییرات در نسخه‌های استاندارد، حاکی از تلاش برای استانداردسازی متن و حفظ نسخه‌هایی با رسم الخط مشخص است. این امر بیانگر یک پروژه ویرایشی اولیه و گسترده بر روی متن قرآن است.

این احتمال قطعی وجود دارد که چنین تغییراتی در دوره اولیه انتقال قرآن بسیار رایج‌تر از دوره‌های بعدی بوده است. ناپدید شدن این تغییرات از مراحل بعدی سنت نسخه‌خطی، شهادتی بر این است که آن‌ها نشان‌دهنده یک مرحله اولیه در فرآیند ویرایش و استانداردسازی متن قرآن بوده‌اند.
 جدول تغییرات رسم در نسخه‌های خطی اولیه قرآن:

ویژگی	توضیح	مثال
تغییرات حروف	افزودن یا حذف حروف در کلمات	افزودن الف در «الصلواه» (سوره ابراهیم آیه ۴۰، نسخه استانبول). حذف یاء در «الکبیر» (سوره آیه ۴۰، نسخه ۱-۲۹)
تغییرات کلمات	جایگزینی یا حذف کلمات.	جایگزینی «فاحعل» با «واحعل» (سوره ابراهیم آیه ۳۷، نسخه BNF ۳۲۸a). حذف «ذی» در «غیر ذی زرع» (سوره ابراهیم آیه ۳۷، نسخه BNF ۳۴۰c)
جابه‌جایی	جابه‌جایی کلمات یا عبارات	گزارش‌هایی از جابه‌جایی در نسخه ابن مسعود (سوره ابراهیم آیه ۲۴)، نمونه‌هایی در پالیمپست بونامز (سوره مانده آیات ۵۰، ۴۸، ۴۱)
ادغام عبارات	ترکیب عبارات مختلف	نمونه‌هایی در آثار سیبویه، مجموعه‌های ابن مسعود و ابی بن کعب، پالیمپست بونامز (سوره مانده آیه ۴۴)
کلمات اضافی	افزودن کلمات یا عبارات طولانی	نمونه‌هایی در پالیمپست‌های مینگانا، بونامز، فاگ و صفحه E. Puin

۵. تنوع در نشانه‌گذاری و سیستم‌های شمارش آیات

در نسخه‌های خطی اولیه قرآن، نشانه‌هایی برای جداسازی آیات وجود داشته است، اما سیستم‌های مختلفی برای این منظور به کار می‌رفته است. برخلاف تصور رایج، نسخه‌های خطی حجازی - که از قدیمی‌ترین نسخه‌های موجود محسوب می‌شوند - حاوی این نشانه‌ها بوده‌اند. همچنین، پالیمپست‌ها نیز این نشانه‌ها را در لایه‌های زیرین متن خود حفظ کرده‌اند که نشان‌دهنده قدمت این شیوه در سنت کتابت قرآن است. سیستم‌های شمارش و جداسازی آیات در نسخه‌های مختلف، تفاوت‌های چشمگیری با یکدیگر داشته و با سیستم‌های گزارش شده توسط اسپیتالر به طور کامل مطابقت ندارند. حتی کاتبان در دوره‌های بعدی گاه سیستم‌های جداسازی آیات را تغییر می‌دادند یا شیوه‌های جدیدی به آن می‌افزودند.

محل قرارگیری این نشانه‌ها بر نحوه تلاوت قرآن، به ویژه در وقف و ابتدای آیات، تأثیر مستقیم داشته است. تنوع سیستم‌های جداسازی آیات، گواهی بر وجود شیوه‌های متنوع تلاوت در دوره‌های نخستین اسلامی است. در این پژوهش، پالیمپست‌ها به عنوان منابعی ارزشمند برای بررسی تاریخ متن قرآن تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این متون کهن، شواهدی از نسخه‌های متنوع‌تر قرآن در سده‌های اولیه هجری ارائه می‌کنند. تنوع موجود در پالیمپست‌ها، سیالیت متنی قابل توجهی را در قرون اولیه شکل‌گیری قرآن تأیید می‌کند.

تلاش‌های گسترده برای استانداردسازی متن قرآن و شیوه‌های قرائت آن، به ایجاد سیستم‌های یکپارچه‌تری در جداسازی آیات و قرائت منجر شد. پیش از این استانداردسازی، قرائت‌های متنوع‌تری از قرآن رواج داشت که نشان‌دهنده غنای سنت شفاهی و نوشتاری قرآن در آن دوره است. در این میان، نسخه‌های خطی صنعا به عنوان گنجینه‌ای ارزشمند، اطلاعات بی‌بدیلی درباره تاریخ تحول متن قرآن در اختیار پژوهشگران قرار داده‌اند. با این حال، هنوز تحقیقات بیشتری برای واکاوی دقیق‌تر نسخه‌های خطی اولیه و پالیمپست‌ها - به ویژه در ارتباط با لایه‌های پنهان متنی و نشانه‌گذاری‌ها - ضروری به نظر می‌رسد.

نشانه‌گذاری آیات	مثال‌ها/شواهد	توضیحات
وجود نشانه‌های جداسازی آیات در نسخه‌های خطی اولیه	نسخه‌های خطی حجازی مورد بررسی، پالیمپست حجازی	نسخه‌های خطی حجازی (قدیمی‌ترین نسخه‌ها) و پالیمپست‌ها دارای نشانه‌های جداسازی آیات هستند.
تنوع سیستم‌های جداسازی آیات	نسخه‌های خطی. BL Or. ۲۱۶۵، BNF ۳۲۸a، BNF ۳۲۵a، BNF ۳۳۰a، ۳۳۱، مکناس، BL Or. ۱۲۸۸۴a	سیستم‌های شمارش و جداسازی آیات در نسخه‌های مختلف متفاوت است و با سیستم‌های گزارش شده توسط اسپیتالر مطابقت کامل ندارد.
تغییرات اعمال شده توسط کاتبان بعدی	نسخه‌های خطی. BL Or. ۱۲۸۸۴، E ۲۰، BNF ۳۲۸a، توپکایی، BL Or. ۲۱۶۵	کاتبان بعدی گاهی سیستم‌های جداسازی آیات را تغییر می‌دادند یا سیستم‌های جدیدی اضافه می‌کردند.
تأثیر محل قرارگیری نشانه‌ها بر تلاوت قرآن	نسخه‌های خطی BNF ۳۳۲، BL Or. ۱۲۸۸۴b (۱۴:۲۵)، (۱۴:۱۴)	محل قرارگیری نشانه‌های جداسازی آیات بر نحوه تلاوت قرآن و مکث‌ها تأثیر



می‌گذارد.	BNF ۳۳۱ (۱۴:۳۹)، ۱۴:۳۳	
قبل از استانداردسازی، قرائت‌های متنوع‌تری از قرآن وجود داشته است که نشان‌دهنده غنای سنت قرآنی است.	گزارش‌های جزئی، تنوع سیستم‌های جداسازی آیات در نسخه‌های خطی	تنوع قرائت‌ها در دوره‌های اولیه
تلاش‌های زیادی برای استانداردسازی متن قرآن و نحوه قرائت آن انجام شده است.	سیستم‌های مشخص برای جداسازی آیات و قرائت قرآن، نقش ابن مجاهد	استانداردسازی متن و قرائت قرآن
پالیمپست‌ها و نسخ خطی صنعا منابع ارزشمندی برای مطالعه تاریخ متن قرآن هستند.	پالیمپست‌ها، نسخ خطی صنعا	اهمیت پالیمپست‌ها و نسخ خطی صنعا

۶. اصلاحات فیزیکی نسخه‌های خطی

این مستشرق در ادامه به اصلاحات ظاهری در نسخه‌های خطی قرآن، شامل محو کردن، رونویسی، اضافات و حاشیه‌نویسی پرداخته و ادعا می‌کند که این تغییرات نشان‌دهنده متنی در حال تحول است، نه متنی که در همان مراحل نخستین تثبیت شده باشد. او اصلاحات را به دو دسته استانداردسازی‌های عمدی و خطاهای ناخواسته کاتبان تقسیم می‌کند و مدعی است که بسیاری از نسخه‌های خطی اولیه حاوی شواهدی از اصلاحاتی هستند که به نظر او با قرائت‌های استاندارد همسو شده‌اند.

مهم‌ترین ادعای اسمال در بحث اصلاحات فیزیکی نسخه‌های خطی این است که وجود این اصلاحات نشان می‌دهد متن قرآن ثابت نبوده، بلکه در گذر زمان تکامل یافته است. او متن پالیمپست نسخه خطی صنعا را - که پاک شده و مجدداً بر روی آن نگاشته شده - به‌عنوان شواهدی بر فرایند تحول متن تلقی می‌کند. با این حال، برخی پژوهشگران غربی استدلال می‌کنند که این تغییرات تنها بازتابی از اصلاحات جزئی در فرایند انتقال متن پیش از تثبیت نهایی آن هستند.

کاتب بعدی؟	دلیل	تغییر ایجاد شده	محل نسخه خطی و سوره و آیه مورد نظر
بله	انطباق با قرائت استاندارد	کلمه «هذا» روی کلمه دیگری (مثلاً فا یا فاله) نوشته شده است	توپکاپی - ابراهیم ۳۵
بله	انطباق با قرائت استاندارد	حذف و درج «الاصنام»	مکناس - ابراهیم ۳۵
بله	به‌روزرسانی املا (قرائت غیراستاندارد)	اضافه شدن نقطه (ن) به جای ت در «ذریتی» ← «ذریانی»	توپکاپی - ابراهیم ۳۵

کاتب بعدی؟	دلیل	تغییر ایجاد شده	محل نسخه خطی و سوره و آیه مورد نظر
خیر	تصحیح اشتباه کاتب	تصحیح ل به ی در «لیفهموا»	BNF ۳۳۳c سوره ابراهیم - آیه ۳۷
خیر	نوع غیراستاندارد (روانی در تلاوت)	تصحیح فا به وا در «فاجعل» ← «واجعل»	BNF ۳۲۸a سوره ابراهیم - آیه ۳۷
خیر	تصحیح اشتباه کاتب	حذف دندانۀ اضافی در «فاجعل»	توپکاپی سوره ابراهیم - آیه ۳۷
بله	انطباق با قرائت استاندارد	اضافه شدن نقطه به «نخفی»	BNF ۳۳۰a سوره ابراهیم - آیه ۳۸
بله	به روزرسانی املا (قرائت غیراستاندارد)	اضافه شدن نقطه (ی) به جای ن در «نعلن» ← «یعلن»	توپکاپی سوره ابراهیم آیه ۳۸
بله	انطباق با قرائت استاندارد	اضافه شدن نقطه برای وضوح ن در «نعلن»	مکناس ۱۴:۳۸:۲
بله	انطباق با قرائت استاندارد	حذف و درج «الحمد»	۱۰۱-۲۰.xE سوره ابراهیم - آیه ۳۹
بله	انطباق با قرائت استاندارد	حذف عبارت و بازنویسی به صورت «الحمد لله الذی وهب...» (متن فشرده)	BNF ۳۷۰a سوره ابراهیم - آیه ۳۹
بله	به روزرسانی املا / انطباق با قرائت استاندارد	اضافه شدن الف در «الصلواه»	استانبول سوره ابراهیم - آیه ۴۰
بله	به روزرسانی املا / انطباق با قرائت استاندارد	اضافه شدن الف در «ولولدی» (مطابق با قرائت ابن مسعود)	استانبول سوره ابراهیم - آیه ۴۰

ج. نقد و بررسی

در میان خاورشناسان معاصر، کاربست روش های نقد کتاب مقدس در مطالعه قرآن، پدیده ای آشکار

است. با ظهور رنسانس و تقویت عقل نقاد و شکاک غربی، به‌ویژه در پی به‌کارگیری رویکرد تاریخی-انتقادی و زیرشاخه‌هایی مانند نقد متنی برای تحلیل متون مقدس، این تصور شکل گرفت که می‌توان این روش‌ها را به قرآن نیز تعمیم داد. بر این اساس، نقد متنی کتاب مقدس به‌عنوان الگویی برای ارزیابی نسخه‌های کهن قرآن مورد استفاده قرار گرفت. کیث اسمال در کتاب «نقد متنی و نسخه‌های (مصحف) قرآن» از پیشگامان این حوزه محسوب می‌شود که با تأکید بر فقدان نقد متنی قرآن در سنت اسلامی، به این موضوع پرداخته است. هرچند تلاش‌های او از جهت پرداختن منسجم به نقد متنی و بررسی مصاحف قرآنی ارزشمند است، اما از جهاتی نیز می‌تواند مورد نقدهایی مانند موارد زیر قرار گیرد:

۱. نقد رویکرد تاریخی- انتقادی

رویکرد تاریخی-انتقادی، که یکی از زیرشاخه‌های آن نقد متنی است، در کاربرد آن برای نقد کتاب مقدس همواره با چالش‌هایی مواجه بوده است. امروزه حتی بحث از پایان یافتن، عدم کارایی و عقیم بودن این رویکرد مطرح شده است (Maier, ۲۰۰۱). برخی از منتقدان معتقدند که این رویکرد، علیرغم ادعای عینی بودن، حاوی سوگیری‌ها و پیش‌فرض‌هایی است که اغلب عناصر ماوراء طبیعی را نادیده گرفته و با شک و تردید به متن نزدیک می‌شود (Law, ۲۰۱۲). این روش می‌تواند جدایی مصنوعی‌ای بین کتاب مقدس و کلام خدا ایجاد کند، نوعی تقسیم‌بندی که حتی در خود کتاب مقدس وجود ندارد. در واقع، طرفداران این رویکرد تلاش می‌کنند تا بخش‌هایی از کتاب مقدس را که معتبر و الزام‌آور می‌دانند، شناسایی کرده و آن‌ها را از سایر بخش‌های متن متمایز کنند. این رویکرد ریشه در این باور دارد که همه بخش‌های کتاب مقدس از اعتبار یا اتقان یکسانی برخوردار نیستند و برخی بخش‌ها پیام یا حقیقت اساسی را دقیق‌تر از بقیه منعکس می‌کنند. با این حال، این "انتخاب دقیق‌تر" خود یک فرایند ذهنی است که خطر تکه‌تکه شدن وحدت کتاب مقدس را به دنبال دارد. از طرفی، با قرار دادن متن در معرض کالبدشکافی انتقادی، این روش به تضعیف اقتدار و وحدت کتاب مقدس تمایل دارد و عقل انسانی را به عنوان داور نهایی حقیقت قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، روش تاریخی-انتقادی که برای متون سکولار توسعه یافته است، ممکن است اساساً با ماهیت کتاب مقدس به عنوان وحی الهی ناسازگار باشد (Lopes, ۲۰۰۳; Lange, ۲۰۰۵). برخی از محققان نیز معتقدند که این روش شکافی بین دانشگاه و کلیسا ایجاد می‌کند و مانع دسترسی به کتاب مقدس می‌شود (Lopes, ۲۰۰۵).

در این میان، اسمال به نقد متنی پرداخته است. نقد متنی را می‌توان رشته‌ای مهم در مطالعات کتاب مقدس و مطالعات ادبی دانست که بر ارزیابی و بازسازی متون اصلی تمرکز دارد (Tanselle, ۱۹۸۹; Lapidge, ۱۹۹۱). این روش شامل شناسایی و حذف خطاهایی است که در حین انتقال متن رخ می‌دهد،

به ویژه برای آثار باستانی که نسخه‌های خطی اصلی آن‌ها در دسترس نیست (Lapidge, ۱۹۹۱). این فرآیند برای تفسیر کتاب مقدس ضروری به نظر می‌رسد و به دانشمندان کمک می‌کند تا معنی و زمینه اصلی (شان نزول آیات) متون مقدس را درک کنند (Umaru, ۲۰۲۳). به عبارتی، نقد متنی ابزارهایی را برای مطالعه کتاب مقدس عبری فراهم می‌کند و به محققان اجازه می‌دهد متن اصلی را بازیابی و تجزیه و تحلیل کنند (McCarter, ۲۰۰۱). روشی که کیت اسمال برای نقد متنی مصاحف قرآنی برگزیده، روش التقاط‌گرایی منطقی (بررسی شواهد داخلی و خارجی) در مقابل التقاط‌گرایی سختگیرانه (شواهد داخلی) است. بر این اساس، منتقد تلاش می‌کند تا با بررسی نسخه‌های خطی مختلف یک متن (مصاحف قرآن)، بهترین و منطقی‌ترین قرائت را از میان آن‌ها برگزیند. اسمال، مانند بسیاری از خاورشناسان که با مطالعات عهدین آشنا هستند، این روش را به نسخ خطی قرآن نیز تعمیم می‌دهد. از نظر او، فرایند انتقال متنی نمی‌تواند از اشتباهاتی که در کتب مقدس و توسط آباء مسیحی و مفسران وجود داشت، مصون بماند. بنابراین، خلفاء، صحابه، تابعین، کاتبان و قاریان قرآن می‌توانند فرایند تاریخی متن را دچار تغییر و چالش نمایند.

با این حال، به دلایلی نمی‌توان کاربرد نقد متنی را در قرآن موجه دانست. دلایلی مانند وحی منزل بودن قرآن (برخلاف عهدین) (نجم: ۲۴)، اعجاز بیانی آن (Marafat, ۲۰۲۲)، آیه حفظ (حجر: ۹) و نادیده گرفتن سنت شفاهی، نشان می‌دهند که این روش برای بررسی نقد متنی قرآن سازگار نیست. در مقابل، روش‌هایی مانند تحلیل قرائات و اختلاف آن‌ها، تحلیل تاریخی نسخه‌های معتبر، تحلیل زبانی و بررسی تواتر قرآن می‌توانند به نتایج بهتری منجر شوند. اسمال از یک سوروش التقاط‌گرایی منطقی را به کار می‌برد که نسبت به شواهد خارجی مانند انتقال شفاهی غفلت می‌ورزد و از سوی دیگر، در بررسی شواهد داخلی به تمام نسخه‌های قرآن نمی‌پردازد و از جامعیت لازم برخوردار نیست. به همین دلیل، پژوهش او محدود و آزمایشی به نظر می‌رسد.

۲. تعصب یا سوگیری روش‌شناختی

تخصص اسمال در مطالعات کتب مقدس و تعصب او نسبت به روش‌های نقد عهدین و تردیدش نسبت به روش انتقال متن قرآن او را مجاب می‌کند که به نقد متنی دست‌نوشته‌های قرآنی نپردازد. ادعای اصلی او این است که در نسخه‌های خطی قرآن، انواع متنی قابل توجهی، مشابه آنچه در کتاب مقدس وجود دارد، و این گونه‌ها، روایت سنتی اسلامی از حفظ کامل قرآن را به چالش می‌کشند. این سوگیری روش‌شناختی اسمال را با مشکلات اساسی روبه‌رو می‌کند، زیرا برخلاف انجیل که بر انتقال نسخه‌های خطی بدون سنت معتبر تکیه داشت، قرآن از طریق ترکیبی از حفظ (شفاهی) و اسناد (مکتوب) حفظ



شده است (Nasser, ۲۰۲۲) و به اندازه کافی به تعامل بین انتقال شفاهی و مکتوب در اوایل اسلام نپرداخته است (Weigelt, ۲۰۲۲) و از این رو تمرکز صرفش بر دست‌نوشته‌های خطی قرآن، پژوهش اصیل و جامعی را به دست نمی‌دهد؛ علاوه بر این، دانشمندان اسلامی مدت‌هاست که تغییرات متنی را از طریق سنت قرائت مستند کرده‌اند (van Putten, ۲۰۲۱) که عملاً نیاز به متن انتقادی التقاطی را منع کرده‌اند. تحلیل او فاقد ارتباط با سنت‌های خطی اسلامی است و استانداردسازی اولیه املائی عربی را به حساب نمی‌آورد و به اندازه کافی محدودیت‌های قدمت دیرینه‌نگاری را نقد نمی‌کند. مطالعات فرانسوا دروش در مورد نسخه‌های خطی اولیه قرآن نشان می‌دهد که چگونه تکامل املائی با فساد متنی برابری نمی‌کند، بلکه منعکس‌کننده رشد طبیعی خط عربی است.

به عبارت دیگر، می‌توان گفت به کارگیری روش‌های عهد جدید در قرآن مستلزم تاریخ‌های متنی قابل مقایسه است که در اینجا مورد تردید است (Dye, ۲۰۲۱) و نیز عدم توجه به تفاوت‌های مبناشناسانه قرآن و عهدین، او را در ورطه روش‌شناسی نیز به تشابه یا یکسان‌انگاری کشانیده است و همان‌طور که فرانسوا دروش (قرآن‌های امویان) اشاره می‌کند (Small, ۲۰۱۶)، نسخه‌های خطی اولیه قرآن یک اسکلت همخوانی تثبیت‌شده (رسم) را در فرهنگی که دقت شفاهی را در اولویت قرار دارد را منعکس می‌کند (Déroche, ۲۰۱۳). به همین جهت رویکرد اسمال در معرض خطر تحمیل چارچوب‌های معرفتی خارجی بر قرآن است. مثلاً اسمال تغییرات در کاربرد الف، یاء و همزه را به‌عنوان نشانه‌هایی از بی‌ثباتی متن تفسیر می‌کند، در حالی که تغییرات املائی در نسخه‌های خطی اولیه مورد انتظار بوده است و به معنای فقدان یکپارچگی متن نیست. برخی از محققان مانند فرانسوا دروش این تغییرات را به‌عنوان بخشی از تکامل طبیعی خط عربی طبقه‌بندی کرده‌اند (Déroche, ۲۰۰۹). خط عربی اولیه هیچ علامت مصوت استاندارد نداشت؛ این واقعیتی است که دانشمندان اسلامی آن را به خوبی درک کرده‌اند. پس تلاش اسمال برای تشابه با بی‌ثباتی متنی عهد جدید بسیار گمراه‌کننده می‌نماید. چنان‌که نسخه خطی قرآن بیرمنگام (بنابر آزمایش کربن ۱۴ متعلق به اواسط قرن هفتم) تفاوت‌های املائی جزئی را نشان می‌دهد، اما با نسخه عثمانی در توافق است و به‌جای بی‌ثباتی، ثبات را نشان می‌دهد (Sayoud, ۲۰۱۸).

۳. نادیده گرفتن تواتر قرآن

تواتر متن یکی از اساسی‌ترین ادله برای اثبات تاریخی بودن و سندیت قرآن است. تواتر در اصطلاح علم اصول و علم حدیث، وصف خبری است که جماعتی کثیر، یکی پس از دیگری نقل کرده باشند، به‌گونه‌ای که گمان تبانی آنها بر دروغ و اشتباه منتفی باشد، هر چند تواتر قرائات مورد تردید قرار داشته است اما تواتر قرآن همواره مورد اتفاق بوده است، برخلاف دیگر کتب مقدس، قرآن تواتر خویش را به امتداد به ارث برده است، خاورشناسان تا قبل از ظهور مصحف صنعاء، قدمت مخطوطات قرآنی را عمدتاً به سده

سوم تاریخگذاری کرده و نسبت آن را به پیامبر ص مورد تردید شمرده و کسانی چون گلدتسهر، ساخت، ونزبرو و جرالدهاوتینگ اعتبار روایات صدر اسلام را مورد پرسش قرار می دادند در حالیکه شیعه و اهل سنت تنها راه ثبوت قرآن را بالاتفاق در تواتر قرار می داند چرا که روایات اختلاف مصاحف و اختلاف قرائات نمی تواند تواتر قرآن را مخدوش نماید، اتفاق صحابه پیامبر ص به قرآنی که عثمان فراهم کرده بود به حدی است که برخی اخبار آحاد چون مخالفت ابن مسعود، نمی تواند آن را دچار خدشه نماید، از طرفی اختلاف قرائات نافی تواتر نیست چون اولاً اختلاف در برخی واژگان قرآن است، ثانیاً در مورد اختلاف قرائت نیز مسلمانان در غیر گزینه های اختلافی اتفاق نظر دارند و ثالثاً اختلاف در برخی واژگان، اتفاق مسلمانان در اصل مواد قرآنی و ساختار آیات و سوره ها را خدشته دار نمی سازد.

۴. عدم توجه به دانش قرائت

نویسنده ضمن اینکه تخصصی در خط و املائی عربی ندارد و زبان عربی کلاسیک را دریافته است، نسبت به وجود انواع یا اختلاف قرائات که می تواند بر دانش تغییرات متنی نسخه های خطی قرآن کمک کند نیز غافل مانده است. رژی بلاشر، قرآن پژوه فرانسوی، معتقد به وجود تعدد قرائات در صدر اسلام است. از نظر وی اختلاف قرائات در بدو نزول قرآن یکی از وجوه اختلاف مصاحف گردید. پس از یکسان سازی مصاحف، عواملی چون ضعف رسم الخط و اعمال ذوق قاریان به گونه ای جدید به ظهور اختلاف قرائات انجامید به عبارتی، قرائت ابن مسعود و ابی بن کعب با قرائت زید بن ثابت تفاوت هایی داشته است. این تفاوت ها به تدریج به صورت قرائت های گوناگون درآمده است. علاوه بر این، باید توجه داشت که خط کوفی که قرآن در زمان عثمان به آن نوشته شد، فاقد نقطه و اعراب بود. با گذشت زمان، علما برای رفع ابهامات موجود در نسخه های خطی اولیه، شروع به افزودن نقاط و علائم مصوت کردند. این امر منجر به ایجاد نسخه های خطی مختلف قرآن با قرائت های متفاوت شد. البته جنبه شفاهی قرآن تا حد زیادی مانع تعدیل سازی نسخه های خطی می شد، اما این امر بدون تأثیر در بافت نسخه های کهن نبود. از طرفی اختلاف قرائات که در سنت اسلامی امری پرابلماتیک نبوده و مرسوم است اسماً به تأثیر آن بر نسخ نپرداخته است و حتی در میان انواع قرائات، قرائات شاذ هم که می توانند به عنوان عوامل تغییرات متنی نسخه های خطی لحاظ شوند نیز مغفول مانده اند قرائت شاذ به قرائتی گفته می شود که سه شرط موافقت با زبان عربی، موافقت با یکی از مصاحف عثمانی و صحیح بودن سند را نداشته باشد. لذا کسانی چون اسمال که نسبت به زبان عربی آگاهی کافی ندارند و از طرفی نسبت به اسناد بی توجه هستند، این قرائات را تغییرات لحاظ کرده و به بعد تحریف دامن می زنند.



۵. غفلت از سنت نقل شفاهی

سنت انتقال شفاهی قرآن از زمان پیامبر اسلام^۱ یکی از جنبه‌های اساسی قرآن تلقی شده است که این سنت در عمل تلاوت و حفظ قرآن ریشه داشته و تا به امروز ادامه دارد. حفظ قرآن از طریق انتقال شفاهی فرآیندی تصادفی نبوده، بلکه تلاشی منظم و سازمان‌یافته دانسته شده که شامل مراحل چون حفظ فوری، تلاوت گسترده، انتقال نسل به نسل و تأیید جمعی صورت گرفته است. در حالی که اسمال روش خود را در نقد متنی التقاط‌گرایی منطقی و لحاظ کردن تمام شواهد داخلی و خارجی قلمداد می‌کند، نسبت به انتقال شفاهی قرآن غفلت می‌ورزد. چرا که با لحاظ انتقال شفاهی، چنان‌که ناصر اذعان می‌نماید، شکل شفاهی قرآن سیال و پویا بوده و معتقد است تا آنجا که به دست‌کاری، افزودن یا کم کردن کلمات مربوط است، دلیل یا شاهی نیست که نشان دهد قرآن متحمل تغییرات عمدی شده است (Nasser, ۲۰۲۰). به نظر می‌رسد قرآن از زمان تدوینش در مصاحف محلی یک «متن بسته» بوده است؛ موضوعی که فرد دانه هم در کتاب «روایت‌هایی درباره‌ی خاستگاه‌های اسلام» مطرح کرده است (Donner, ۱۹۹۸). پس نمی‌توان به تغییرات متنی چنان‌که اسمال بال و پر می‌دهد، اعتنایی نمود.

۶. عدم توجه به رویکردهای چندرشته‌ای انتقال نسخ خطی

در حالی که بسیاری از فعالیت‌های قرآنی خاورشناسان مبتنی بر رویکردهای چندرشته‌ای یا بینارشته‌ای است، چنانکه از پروژه کورپوس کورانیوم و فعالیت‌های خانم انگلیکا نویورت گرفته تا فرانسوا دروش و حتی استیفان شومیکر، بهره‌مندی از این رویکردها برای رسیدن به فکت‌ها، امری طبیعی و آشکار به نظر می‌رسد؛ اما او چندان وقعی به رویکردهای چندرشته‌ای نمی‌نهد و تمرکزش را صرفاً بر تغییرات نسخه‌های خطی و نقد متنی آن‌ها می‌گذارد. در حالی که مطالعه‌ی نسخه‌های خطی اولیه، شامل بررسی ویژگی‌هایی مانند دیرینه‌شناسی، نسخه‌شناسی، و رنگ‌شناسی است. دیرینه‌شناسی بر تحلیل سبک‌های دست‌نوشته، خطوط، و اشکال حروف تمرکز دارد، و به محققان در تاریخ‌گذاری و مکان‌یابی نسخه‌های خطی کمک می‌کند. نسخه‌شناسی، ساختار فیزیکی و سازماندهی نسخه‌های خطی، از جمله ترتیب صفحات، دسته‌ها، جلد‌ها، و هر عنصر اضافه‌ای مانند تصاویر یا تذهیب‌ها را بررسی می‌کند. رنگ‌شناسی، به ترکیبات جوهر، رنگ‌دانه‌ها، و ابزارهای نگارشی مورد استفاده‌ی کاتبان می‌پردازد و سرنخ‌های ارزشمندی در مورد فنون تولید و فرهنگ مادی آن زمان ارائه می‌کند، که هر کدام از این‌ها بازتابی از زمانه‌ی ظهور نسخه‌های خطی هستند و رهگیری مصاحف کهن را میسر می‌نماید (TC, ۲۰۲۴).

از این رو، ملاحظه می‌شود که اسمال با تمرکز بر تغییرات املائی و ویژگی‌های ظاهری، توصیفاتی هرچند مفید از نسخه‌های خطی قرآن ارائه می‌دهد. اما تحلیل او فاقد ارتباط با سنت‌های خطی اسلامی است. او استانداردسازی اولیه املائی عربی را به حساب نمی‌آورد و به اندازه کافی محدودیت‌های قدمت دیرینه‌نگاری را نقد نمی‌کند.



نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی و تحلیل کتاب «نقد متنی و نسخه‌های خطی قرآن کیث اسمال»، با روش توصیفی-تحلیلی، می‌توان نتیجه گرفت که کیث اسمال در کتاب خود به دلیل استفاده از روش‌های نقد متنی اقتباس‌شده از مطالعات کتاب مقدس با انتقادات جدی مواجه است. این نقدها عمدتاً حول محور بی‌توجهی به نقش سنت شفاهی در حفظ قرآن، نادیده گرفتن تواتر قرآن، عدم درک صحیح از تفاوت‌های املائی و علائم نقطه‌گذاری، و عدم تفکیک بین قرائت‌های معتبر و تغییرات متنی نادرست می‌چرخد. اسمال، با تکیه بر روش «التقاط‌گرایی منطقی»، تنوعات موجود در نسخه‌های خطی قرآن را به‌عنوان نشانه‌ای از عدم ثبات متن اولیه تفسیر کرده است. در حالی که این تنوعات، عمدتاً ناشی از تکامل خط عربی، اشتباهات کاتبان، و تفاوت‌های مجاز در قرائت‌ها بوده و خللی به اصالت و یکپارچگی متن قرآن وارد نمی‌کند. به علاوه، اسمال با نادیده گرفتن نقش محوری حفظ و انتقال شفاهی قرآن، تنها بر نسخه‌های خطی محدود به‌عنوان منبع اصلی تکیه کرده است. در نهایت، به نظر می‌رسد که استفاده از روش‌های نقد متنی در مطالعات قرآنی، نیازمند توجه بیشتر به ویژگی‌های خاص این متن و در نظر گرفتن ابعاد مختلف آن، از جمله سنت شفاهی و زمینه تاریخی است.



منابع

۱. اسمال، کیث. قرآن‌های امویان: بررسی اولیه. ۲۰۱۶ (۱۳۹۵ ش).
۲. اومارو، ویکتور. اهمیت نقد متنی در تفسیر کتاب مقدس. مجله IJRSI، ۱۰، ۲۳-۲۹. ۲۰۲۳ (۱۴۰۲ ش).
۳. تانسل، گرگ تی. مبنایی برای نقد متنی. انتشارات دانشگاه پنسیلوانیا، ۲۰۱۰ (۱۳۸۹ ش).
۴. ترکسل، ریچارد ل. متن در نقد متنی چیست؟ مجله عهد عتیق، ۶۶(۴)، ۶۰۳-۶۲۶. ۲۰۱۶ (۱۳۹۵ ش).
۵. تی.سی، سمیع فضل. نسخه‌های خطی قرآن کریم: بررسی تفاوت‌های تاریخی و روش‌های انتقال متن. مجله الافکار، مطالعات اسلامی، ۷(۱)، ۱۱۷۷-۱۱۶۳. ۲۰۲۴ (۱۴۰۲ ش).
۶. جانستون، سارا. تاریخ جدیدی از کتابخانه‌ها و کتاب‌ها در دوره هلنیستی. مجله عتیقه‌شناسی کلاسیک، ۳۳(۲)، ۳۹۳-۳۴۷. ۲۰۱۴ (۱۳۹۳ ش).
۷. دانر، جی. نقد و بررسی کتاب «نقد متنی و نسخه‌های خطی قرآن» اثر کیث ای. اسمال. مجله مطالعات خاور نزدیک، ۷۳(۱)، ۱۶۹-۱۶۶. ۲۰۱۴ (۱۳۹۳ ش). [<https://doi.org/10.1086/674909>]
۸. دای، گابریل. مفاهیم و روش‌ها در مطالعه قرآن. مجله ادیان، ۱۲(۸)، ۵۹۹. ۲۰۲۱ (۱۴۰۰ ش).
۹. دروشه، فرانسوا. انتقال مکتوب قرآن در آغاز اسلام: مصحف پارسی-پترزبورگی (جلد ۵). انتشارات بریل، ۲۰۰۹ (۱۳۸۸ ش).
۱۰. دروشه، فرانسوا. قرآن‌های امویان: یک بررسی اولیه (صفحه ۲۰۸). انتشارات بریل، ۲۰۱۳ (۱۳۹۲ ش).
۱۱. سایود، ایچ. تحلیل آماری از قطعات قرآنی بیرمنگام و مقایسه آن با نسخه‌های صنعا. مجله بین‌المللی HDSKD، ۴، ۱۲۶-۱۰۱. ۲۰۱۸ (۱۳۹۷ ش).
۱۲. فان پوتن، ایم. قرائات منطقه‌ای دلائل الخیرات الجزولی در سنت نسخه‌های خطی. مجله نسخه‌های خطی اسلامی، ۱۲(۳-۴)، ۳۹۵-۳۷۲. ۲۰۲۱ (۱۴۰۰ ش).



۱۳. فی، گوردون دی. *اکلکتسیسم سخت‌گیرانه یا اکلکتسیسم استدلالی - کدام یک؟ مطالعات در زبان و متن عهد جدید، ۱۹۷-۱۷۴. ۱۹۷۶. ۱۳۵۵(ش).*
۱۴. لاپیدج، مایکل. *نقد متنی و ادبیات انگلوساکسون انگلستان*. بولتن کتابخانه جان رایلندز، ۱۷۳(۱)، ۴۶-۱۷. ۱۹۹۱. ۱۳۷۰(ش).
۱۵. لانگه، جان. *ریشه‌های نقد علمی کتاب مقدس. مجله تأملات الهیاتی: نشریه شرق اروپایی الهیات*، (۱)، ۶۱-۷۷. ۲۰۰۳. ۱۳۸۲(ش).
۱۶. لاور، دیوید ر. *روش تاریخی-انتقادی: راهنمایی برای سرگشتگان*. ۲۰۱۲. ۱۳۹۱(ش).
۱۷. لوپز، آ. ان. *دوراهی روش تاریخی-انتقادی در تفسیر کتاب مقدس*. مجله فیدس رفرماتا، ۱۰. ۲۰۰۵. ۱۳۸۴(ش).
۱۸. مایر، گرهارد. *پایان روش تاریخی-انتقادی*. انتشارات ویف و استاک، ۲۰۰۱. ۱۳۸۰(ش).
۱۹. مدنی، ایم و آگوستیار، ای. *تحلیل گردآوری قرآن در دوره‌های مختلف*. مجله المعراج، مطالعات اسلامی و علوم انسانی، ۴(۲۰)، ۸۹۵-۹۰۷. ۲۰۲۴. ۱۴۰۲(ش).
- [<https://doi.org/10.37680/almikraj.v4i2/4970>]
۲۰. معرفت، محمد هادی. *معجزه تبیین قرآن*. انتشارات جامعه المصطفی العالمیه، قم. ۲۰۲۲. ۱۴۰۱(ش).
۲۱. ناصر، ایس. ایچ. *دومین تدوین رسمی قرآن (۹۳۶/۳۲۴): ابن مجاهد و تأسیس قرائات هفتگانه*. انتشارات بریل، ۲۰۲۰. ۱۳۹۹(ش).
۲۲. ناصر، ایس. ایچ. *گونه‌های مختلف خوانش محمد: آیا سواد جایگزین شفاهیت قرآن شد؟ مجله اکتشافات دریای مرده*، ۲۹(۳)، ۴۰۹-۳۸۸. ۲۰۲۲. ۱۴۰۱(ش).
۲۳. هورتادو، لری و. *نقد کتاب «نقد متنی و نسخه‌های خطی قرآن» اثر کیت ای. اسمال*. مجله الهیات اسکاتلندی، ۶۸: ۱۱۴-۱۱۶. ۲۰۱۵. ۱۳۹۴(ش).
- [doi:10.1017/S0036930614000283].

References

١. Dé roche, F. La transmission écrite du Coran dans les débuts de l'islam: Le codex Parisino-petropolitanus (Vol. ٥). Brill. ٢٠٠٩.
٢. Dé roche, F. Qur'ans of the Umayyads: A first overview (p. ٢٠٨). Brill. ٢٠١٣.
٣. Donner, F. [Review of Textual Criticism and Qur'ān Manuscripts, by K. E. Small]. Journal of Near Eastern Studies, ٧٣(١), ١٦٦-١٦٩. <https://doi.org/10.1086/٦٧٤٩٠٩>. ٢٠١٤.
٤. Dye, G. Concepts and Methods in the Study of the Qur'ān. Religions, ١٢(٨), ٥٩٩. ٢٠٢١.
٥. Fee, G. D. Rigorous or Reasoned Eclecticism-Which?. Studies in New Testament Language and Text, ١٧٤-١٩٧. ١٩٧٦.
٦. Hurtado, Larry W. »Book Review Keith E. Small , Textual Criticism and Qur'ān Manuscripts«. Scottish Journal of Theology. ٦٨: ١١٤-١١٦. doi:10.1017/S0036930٦١٤٠٠٢٨٣. ٢٠١٥.
٧. Johnstone, S. A new history of libraries and books in the Hellenistic Period. Classical Antiquity, ٣٣(٢), ٣٤٧-٣٩٣. ٢٠١٤.
٨. Lange, J. The Roots of Scientific Bible Criticism. Богословські роздуми: Східноєвропейський журнал богослов'я, (١), ٦١-٧٧. ٢٠٠٣.
٩. Lapidge, M. Textual criticism and the literature of Anglo-Saxon England. Bulletin of the John Rylands Library, ٧٣(١), ١٧-٤٦. ١٩٩١.
١٠. Law, D. R. The historical-critical method: A guide for the perplexed. ٢٠١٢.
١١. Lopes, A. N. O DILEMA DO MÉTODO HISTÓRICO-CRÍTICO NA INTERPRETAÇÃO BÍBLICA. Fides reformata, ١٠. ٢٠٠٥.
١٢. Madaniyah, M., & Agustiar, A. Analisis Pengumpulan Al Qur'an dalam Berbagai Periode. AL-MIKRAJ: Jurnal Studi Islam Dan Humaniora (E-ISSN: ٢٧٤٥-٤٥٨٤), ٤(٠٢), ٨٩٥-٩٠٧. <https://doi.org/10.337680/almikraj.v4i02/٤٩٧0>. ٢٠٢٤.
١٣. Maier, G. The end of the historical-critical method. Wipf and Stock Publishers. ٢٠٠١.
١٤. Marafat, Muhammad Hadi. The Miracle of the Explanation of the Quran, Al-Mustafa Al-Alamiyah Society Publications, Qom. ٢٠٢٢.
١٥. Nasser, S. The second canonization of the Qur'ān (٣٢٤/٩٣٦): Ibn Mujāhid and the founding of the seven readings. Brill. ٢٠٢٠.
١٦. Nasser, S. H. Variations on a Theme by Muḥammad: Did Literacy Supersede the Orality of the Qur'ān?. Dead Sea Discoveries, ٢٩(٣), ٣٨٨-٤٠٩. ٢٠٢٢.



۱۸. Sayoud, H. Statistical Analysis of the Birmingham Quran Folios and Comparison with the Sanaa Manuscripts. HDSKD International Journal, ۴, ۱۰۱-۱۲۶. ۲۰۱۸.
۱۹. Small, K. Qur'ans of the Umayyads: A First Overview. ۲۰۱۶.
۲۰. TC, S. F. Holy quranic manuscripts: examining historical variants and transmission methods. al-Afkar, Journal For Islamic Studies, ۷(۱), ۱۱۶۳-۱۱۷۷. ۲۰۲۴.
۲۱. Tanselle, G. T. A rationale of textual criticism. University of Pennsylvania Press. ۲۰۱۰.
۲۲. Troxel, R. L. What is the 'Text' in Textual Criticism?. Vetus testamentum, ۶۶(۴), ۶۰۳-۶۲۶. ۲۰۱۶.
۲۳. Umaru, V. The Relevance of Textual Criticism in Biblical Interpretation. IJRSI, ۱۰, ۲۳-۲۹. ۲۰۲۳.
۲۴. van Putten, M. The Regional Recitations of al-Jazūlī's Dalā'il al-Hayrāt as Reflected in Its Manuscript Tradition. Journal of Islamic Manuscripts, ۱۲(۳-۴), ۳۷۲-۳۹۵. ۲۰۲۱).